



دیدگاه‌های اقتصادی آئین بهائی در مورد:

# اقتصاد آینده

مجموعه‌ای از آثار بهائی



بیع شمس

# اقتصاد آینده

مجموعه‌ای از آثار بهائی

به کوشش:

بیج شمس

این کتاب پیش از این به زبان انگلیسی زیر عنوان:

*A Bahá'í Perspective on Economic on the Future*

چاپ و منتشر شده است.

عنوان کتاب: اقتصاد آینده، مجموعه‌ای از آثار بهائی

به کوشش: بدیع شمس

تدوین متن فارسی: فاروق ایزدی‌نیا

نشر اول به زبان فارسی، نشر یاران، ۲۰۲۰ میلادی

صفحه‌پردازی و تنظیم فنی برای چاپ: نشر یاران ©



## فهرست مندرجات

۵	- دیباچه
۷	۱. کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز
۹	۲. اتحادیه جهانی بهائی
۱۳	۳. نظام اقتصادی بهائی
۱۶	۴. اقتصاد الهی
۱۷	۵. منابع اقتصادی
۱۹	۶. تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی
۱۹	۷. اصلاحات اقتصادی
۲۱	۸. واحد پول جهانی
۲۱	۹. مسائل اقتصادی
۲۱	الف) ماهیت و علل مسائل اقتصادی
۲۳	ب) راه حل مسائل اقتصادی
۲۵	۱۰. نقش حکومت در امور اقتصادی
۲۸	۱۱. انسان فقط عامل تولید نیست
۲۹	۱۲. مساوات
۳۱	۱۳. مراتب و استعدادهای متفاوت انسان
۳۳	۱۴. حرف و صنایع
۳۳	الف) کار و حرفه
۳۷	ب) فنون، هنرها و صنایع

- ۳۷ .۱۵. زراعت و زارع
- ۳۹ .۱۶. سرمایه‌دار و سرمایه‌داری
- ۴۰ .۱۷. کارگران و صنعت
- ۴۰ کارخانه: رنجبران و کارگران
- ۴۱ کارخانه: سود و سهام
- ۴۲ دستمزدها
- ۴۳ نمایندگان طبقات دستمزدبگیر
- ۴۴ .۱۸. اتّحادیه‌های صنفی
- ۴۴ .۱۹. بازنشستگی
- ۴۵ .۲۰. مستمّر
- ۴۵ .۲۱. مسأله اعتصاب
- ۵۰ .۲۲. مسأله اشتراکیون
- ۵۰ .۲۳. بی‌کاری
- ۵۱ .۲۴. بردگی صنعتی
- ۵۱ .۲۵. علم و فناوری
- ۵۲ .۲۶. استفاده از دانش فنی
- ۵۴ .۲۷. اتلاف منابع در جنگ
- ۵۶ .۲۸. مخازن عمومی و مالیات
- ۵۶ مخزن عمومی (قریه)
- ۵۸ مخزن عمومی (مدینه)
- ۵۸ مخزن عمومی (واردات)
- ۶۰ مخزن عمومی (مصارف)
- ۶۱ صندوق ملّی
- ۶۲ انجمن اُمنّا
- ۶۲ .۲۹. احتکار
- ۶۳ .۳۰. مالیات
- ۶۵ .۳۱. نرخ بهره

۶۵	۳۲. ثروت و غنا
۶۶	الف) توزیع ثروت
۶۶	ب) تحدید ثروت
۶۸	۳۳. اعتدال
۶۸	۳۴. رفاه و آسایش
۶۹	۳۵. فقرا و محتاجان
۷۴	۳۶. امور خیریه و اوقاف
۷۷	۳۷. زکات
۷۷	۳۸. مواسات اعظم از مساوات
۷۹	۳۹. مدنیت الهیه
۸۱	۴۰. انقطاع
۸۲	۴۱. عدالت
۸۴	۴۲. ارث
۸۷	۴۳. حقوق الله
۹۱	۴۴. بحران عظیم اقتصادی
۹۲	۴۵. رقابت
۹۳	۴۶. نظم و تعادل عالم



## دیباچه

مقصود از جمع آوری آثار مبارکه در این مجموعه که از سال ۱۹۷۹ شروع شد، استفاده از آنها در مطالعه تحقیقی نگارنده در مورد "تعالیم بهائی در خصوص علم اقتصاد" بود. تعالیم مبارکه در مورد این موضوع مهم در آثار امریه بسیار پراکنده است. سعی شده، حتی المقدور این مطالب طبقه‌بندی شود؛ اما این امر نیز کاری بسیار دشوار بود، چه که هدایات عرضه شده در آنها بسیار کلی و عمومی است و قرار دادن آنها تحت یک عنوان در بسیاری از موارد موجه به نظر نمی‌آید.

مسئله اقتصاد در این ایام بسیار حاد است و هرگز به اندازه امروز احتیاج به حل مسائل اقتصادی احساس نمی‌شد. احدی از ممالک عالم، به هر مکتب اقتصادی که متعلق و وابسته و در زمره کشورهای توسعه یافته یا در حال توسعه باشد، نمی‌تواند این حقیقت را انکار نماید که هدف اصلیش حل مسائل اقتصادی خودش است.

هرگز چنین احتیاج مبرم به داشتن درکی عمیق‌تر و بیشتر در تعالیم امر بهائی در مورد این موضوع وجود نداشت، چه که عامه ناس به نحوی دائم التزاید مشتاق یافتن راه‌حلهایی هستند که در آثار بهائی موجود و مکنون است.

امید این است که بعد از ملاحظه این آثار بدیعه در خصوص این موضوع، بتوانید وضعیت فعلی اقتصاد عالم را تجزیه و تحلیل نمایید و



آنچه را که امر بهائی عرضه می نماید مورد تقدیر قرار دهید.  
وظیفه خود می دانم که به ساحت بیت العدل اعظم محبوب و  
دارالتحقیق بین المللی، که بدون مساعدت، هدایت و اصلاحات آنها  
این مجموعه هرگز نمی توانست بوجود آید، مراتب امتنان و سپاسگزاری  
خود را تقدیم نمایم.

بدیع شمس

[www.badishams.net](http://www.badishams.net)

## ۱. کاربرد تعالیم اقتصادی در مسائل امروز

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

ابتدا ما باید تعالیم اقتصادی را با توجه به مسائل امروز، به نحو اکمل، مورد مطالعه قرار دهیم تا بتوانیم از آنچه که مؤسّسین امر الهی بیان کرده‌اند، نه از آنچه که به حدس و گمان از آثار آنها استنباط می‌کنیم، دفاع نماییم. بین بررسی و بیان یک اصل عمومی عظیم با یافتن نحوه استفاده از آن در شرایط واقعی تفاوت عظیم وجود دارد.

ترجمه، *Directives from the Guardian*، ص ۲۰

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

هر قانونی و هر مکتب سیاسی و اقتصادی فقط برای آن خلق شده که حافظ منافع بشری، من حیث المجموع باشد و برای آن نیست که بشر برای حفظ آنها فدا شود.

نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص ۵۹ /

ترجمه‌ای متفاوت در پیام وعده صلح جهانی، بند ۲۴ به نقل از کتاب:

بهاءالله و عصر جدید، طبع برزیل، صص ۳۵-۳۶ درج است.)

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

تعالیم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء فاقد راه‌حل‌های صریح و مفصل برای کلیه این قبیل مسائل اقتصادی است که اکثراً به حیطة اقتصاد تخصّصی مربوط می‌شود و به عبارت

دقیق‌تر مستقیماً به امر مبارک ربطی ندارد. اگرچه بعضی اصول هدایت‌کننده در آثار مبارکهٔ بهائی در خصوص اقتصاد وجود دارد، اما این اصول به هیچ‌وجه کلّ رشتهٔ اقتصاد نظری و عملی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و عمدتاً مقصود از آنها هدایت بیشتر برای متخصصان و نویسندگان اقتصادی بهائی است تا نظامی اقتصادی را ابداع نمایند که در انطباق تام با روح و مفاد آثار مبارکهٔ امرالله در این زمینه و مواضع مشابه عمل نماید. بیت العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آیهٔ آیام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آیندهٔ بهائی مساعدت خواهد کرد. اما یک موضوع مسلم است و آن این که امر مبارک نه نظریه‌های اقتصادی سرمایه‌داری را به طور کامل می‌پذیرد، نه می‌تواند با مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در نفی اصل مالکیت شخصی و حقوق مقدسهٔ حیاتی فرد موافق باشد.

ترجمه، مکتوب ۱۰ ژوئن ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولیّ امرالله

به یکی از احباء، *انوار هدایت*، شمارهٔ ۱۸۶۰

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

در آثار مبارکه در این زمینه و بسیاری از مواضع دیگر که الیوم اذهان اهل عالم را متحیر و سرگردان ساخته اشارهٔ زیادی مشاهده نمی‌شود. آنچه که در وهلهٔ اولیٰ مطمح نظر قرار دارد روح مقدسی است که باید در حیات اقتصادی نافذ باشد و این روح تدریجاً در تشکیلات و اصول معینی متبلور خواهد شد که به ایجاد شرایط مطلوبی که حضرت بهاءالله پیش‌بینی فرموده‌اند کمک خواهد کرد.

ترجمه، مکتوب ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ از طرف حضرت ولیّ امرالله

به محفل روحانی ملی ایالات متّحده و کانادا، اخبار امری آمریکا،

شمارهٔ ۹۰، مارس ۱۹۳۵، ص ۲/ *انوار هدایت*، شمارهٔ ۱۸۶۴

## ۲. اتحادیه جهانی بهائی

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

مقصود از حکمت مکنونه آن که نهایتاً عناصر متخاصم جامعه بشری را در یک اتحادیه واحد، اساساً متحد و منسجم جهانی به یکدیگر ملحق سازد.

ترجمه، تلگراف ۱۲ مه ۱۹۴۵، مندرج در *Messages to America*، ص ۸۰

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

... این رسمیت به مرور ایام به تأسیس سلطنت الهیه و احراز حقوق و اختیارات تامه مخصوصه مبدل گردد و بالمآل به استقرار سلطنت جهانی بهائی... انتهى پذیرد.

ظهور عدل الهی، نشر ۱۳۲ بدیع، ص ۳۲

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

دیگر اتخاذ وسائل و تمهیدات لازمه و اشتراک مساعی در سبیل حفظ و صیانت امرالله در قبال حملات و تعرضات حتمیه ای که به تدریج از جانب دوائر و احزاب مختلفه مذهبی مجتمعاً و متشکلاً نسبت به امر مبین و شرع حضرت رب العالمین به عمل خواهد آمد و کلّ به جمیع قوی به مقاومت برخوانند خاست. دیگر مسائل متنوعه و محظورات و مشاكل عظیمه و مسئولیت های کثیره متزایده که جامعه اسم اعظم با آن مواجه بوده و بایستی بر یک یک از آنها تفوق حاصل گردد و به کمال متانت و اتقان مقابلی شود تا امر ستمدیده الهی بتواند مراحل مقدره محتومه را متتابعاً مترادفاً طی نماید یعنی دوره مجهولیت منقضی شود و مرحله مظلومیت و مقهوریت سپری گردد و انفصال شریعه الله از

ادیان منسوخه عتیقه رخ گشاید و علم استقلال دین الله بلند گردد و مساوات پیروان امر جمال اقدس ابھی با تابعان ادیان سائره، که مہمد سبیل از برای رسمیت آئین الہی است، تصدیق و اعلام شود و این رسمیت به مرور ایام به تاسیس سلطنت الہیہ و احراز حقوق و اختیارات تامہ مخصوصه مبدل گردد و بالمآل به استقرار سلطنت جهانی بھائی، کہ مؤید به تأییدات لا ریبیۃ یزدانی و مروج تعالیم مقدسہ ربانی و مجری احکام و اوامر منصوصہ منزله از سماء مشیت سبحانی است، انتها پذیرد.

ظہور عدل الہی، نشر ۱۳۲ بدیع، صص ۳۱-۳۲

حضرت ولی امر الله در توفیق مبارک **قد ظہر یوم المیعاد** می فرمایند:

بنیان نظم بدیع جہانیش کہ اکنون در رحم مؤسّسات اداری کہ خود آن حضرت پدید آورده، در جنبش و حرکت است و نمونہ و هسته مرکزی آن هیأت جمعیت جهانی خواهد شد کہ سرانجام قطعی و حتمی اُمم و ملل ارض است.

ترجمہ، توفیق مبارک، نشر ۱۰۴ بدیع، ص ۱۸۸

حضرت ولی امر الله می فرمایند:

... و چون این صرح مشید کہ ذرّوہ اعلاّی ظہور جامعہ جهانی بھائی و مبشر استقرار ملکوت الہی در عالم انسانی است، بنیان گردد و عصر ذہبی این دور امنع اقدس در آخر ایام رخ گشاید، آثار و اثمار بھیہ این سدرہ رحمانیہ آشکار و آیات و برکاتش بر جہان و جہانیان واضح و لائح خواهد گردید.

قرن بدیع، نشر کانادا، ص ۸۵

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

«هرچه اصالت و قدرتی که حضرت بهاءالله به جامعه متحدالمرام آینده بھائی عنایت فرموده واضح تر و معلوم تر شود، هجوم حملات به حقائق مکنونه اش شدیدتر خواهد شد.

نظم جهانی بھائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص ۲۵

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

چون دین بھائی در جمهور خلافت شرق و غرب نفوذ نماید و حقانیتش به قبول اکثریت مردم بعضی از کشورهای مستقل جهان در آید آن وقت بیت العدل اعظم به ذروه قدرت و سلطه خود خواهد رسید و به عنوان اعلی مقام ممالک متحدالمرام بھائی جمیع حقوق و وظائف و مسئولیت های متعلق به یک حکومت علیای جهانی را به عهده خواهد گرفت.

نظم جهانی بھائی، ص ۱۱

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

با حصول این عطیه عظمی [استقرار رمس اطهر حضرت ورقه مبارکه علیا] قدم اول در سبیل استقرار مرکز اداری جامعه جهانی بھائی در سرزمینی که مورد تجلیل و احترام پیروان سه دیانت عظیمه الهیه است، برداشته شد. مرکزی که در مستقبل ایام در جوار مرکز روحانی این امر مقدس به انجام وظائف خطیره مألوف خواهد گردید و هرگز از آن مرکز نروا و بقعه علیا انفکاک نخواهد پذیرفت.

قرن بدیع، نشر کانادا، ص ۷۰۰

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

«ما که نسل این دوره سایه روشنیم، در زمانی زندگی می کنیم که می توان گفت جامعه متّحده جهانی موعود حضرت بهاءالله تازه به رشد جنینی خویش پرداخته است. ملاحظه فرمائید در چنین زمان خطیری چه وظیفه سنگینی بردوش ما نهاده اند که نه قدر و منزلتش را کما هو حقّه ادراک و نه چنان که باید سختی و سنگینی اش را احساس توانیم کرد.»

نظم جهانی بهائی، ص ۱۰۴

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

امری که حضرت بهاءالله اعلان فرموده... ثابت کرد که ادّعایش و عنوانش دین جهانی است و مقصدش ایجاد یک جامعه متّحده المرام عالمگیر است که در میقات معین تأسیس نماید. جامعه ای که هم موجود و هم حافظ صلح اعظمی است که حضرت بهاءالله اعلانش فرموده.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۴

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

سیر تجزّی و تلاشی جاری گردد و نفوذ فاسدکننده اش هر روز عمیق تر شود و در ارکان این عصر متزلزل رسوخ نماید و هنوز مصائب دردناک بیشتری لازم است تا کشورهای متخاصم و اصول و عقاید متناقض و طبقات و نژادهای مختلف را در کوره بلیات عمومی ذوب نماید و در قالب مصیبات شدید ریزد و از آنها جامعه متّحده المرامی به وجود آورد که با نظامی متّحد و هم آهنگ کار کند.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۴۰

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

شکل نهائی بیان نامه و اساس نامهٔ محفل روحانی ملی ایالات متّحده شرح و تفصیلی با ارزش و معتبر بر اساس قانون اساسی جوامع بهائی در جمیع اقالیم است که مبشّر ظهور نهائی جامعهٔ متّحده المرام آتی بهائی می باشد.

ترجمه، *Baha'i Administration*، ص ۱۳۵

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

این مرحلهٔ غایی جامعهٔ متّحده جهانی که عالی ترین حدّ کمال نقشه‌ای است که ذات الهی بنفسه برای عالم بشری مقدّر فرموده است، فی نفسه ثابت خواهد کرد که آیتی از ولادت مدنیت جهانی است که از لحاظ ابعاد، خصوصیات و قوای مکنونه در تاریخ بشری بی مثیل و عدیل است.

ترجمه، عالم بهائی، ج ۱۱، ص ۱۳۸ /

*Messages to the Bahá'í World*، ص ۱۵۵

### ۳. نظام اقتصادی بهائی

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

عملاً تعالیم تخصّصی در خصوص اقتصاد، از قبیل بانکداری، نظام قیمت‌ها و سایر موارد در امر مبارک وجود ندارد. امر الهی نظام اقتصادی نیست و شارعین را نیز نمی‌توان اقتصاددانان متخصّص تلقی کرد. تأثیر امر مبارک در این موضوع اساساً غیر مستقیم است زیرا شامل کاربرد اصول روحانیّه در نظام اقتصادی امروز است. حضرت بهاءالله اصول اساسی معدودی را به ما



عنایت کرده‌اند که باید در تأسیس مشروعاتی که روابط اقتصادی عالم را اصلاح خواهد کرد راهنمای اقتصاددانان بهائی آینده باشد.

ترجمه، مکتوب ۲۵ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولیّ امرالله به یکی از اجباء؛ اخبار امری آمریکا، شماره ۱۰۳، اکتبر ۱۹۳۶، ص ۲/ انوار هدایت، شماره ۱۸۶۸

کاتب حضرت ولیّ امرالله از طرف هیکل مبارک مرقوم داشته است:

در ارتباط با تمایل شما به تجدید سازمان امور تجارتی خود طبق موازین امری، حضرت ولیّ امرالله عمیقاً روحی که اتخاذ چنین طریق پیشنهادی را به ذهن شما متبادر ساخته است مورد تقدیر قرار می‌دهند. مع‌هذا، ایشان معتقدند هنوز زمان مقتضی فرا نرسیده است که نفسی از یاران چنین تحوّلی اساسی را در ساختار اقتصادی جامعه هر قدر که میدان برای چنین تجربه‌ای محدود باشد، پدید آورد. تعالیم اقتصادی امر مبارک، اگرچه در رئوس مطالب کاملاً معلوم و مشهود است، اما هنوز آنچنان که باید و شاید تدوین و تشریح نشده که نفسی بتواند آنها را در مقیاسی محدود، به نحوی دقیق و کامل محلّ استفاده قرار دهد. ترجمه، *Directives from the Guardian*، صص ۱۹-۲۰

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

بیت العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آتیه ایام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آینده بهائی مساعدت خواهد کرد. اما یک موضوع مسلم است و آن این که امر مبارک نه نظریه‌های اقتصادی سرمایه‌داری را به طور کامل می‌پذیرد، نه می‌تواند با مارکسیست‌ها و کمونیست‌ها در نفی اصل مالکیت

شخصی و حقوق مقدسه حیاتی فرد موافق باشد.

ترجمه، مکتوب ۱۰ ژوئن ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولی امرالله  
به یکی از احباء / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۲

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

در آثار مبارکه در این زمینه و بسیاری از مواضع دیگر که الیوم  
اذهان اهل عالم را متحیر و سرگردان ساخته اشاره زیادی مشاهده  
نمی شود. آنچه که در وهله اول مطمح نظر قرار دارد روح مقدسی  
است که باید در حیات اقتصادی نافذ باشد و این روح تدریجاً در  
تشکیلات و اصول معینی متبلور خواهد شد که به ایجاد شرایط  
مطلوبی که حضرت بهاءالله پیش بینی فرموده اند کمک خواهد  
کرد.

ترجمه، مکتوب ۲۰ دسامبر ۱۹۳۱ از طرف حضرت ولی امرالله  
به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا؛ اخبار امری آمریکا،  
شماره ۹۰، مارس ۱۹۳۵، ص ۲ / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۴

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

حضرت بهاءالله نظام کامل اقتصادی برای عالم نیاورده اند.  
سهیم کردن کارکنان در سود به عنوان راه حلی برای یک شکل  
از مسائل اقتصادی توصیه شده است. در تعالیم مبارکه مطلبی  
دال بر نفی نوعی نظام سرمایه داری وجود ندارد اما شکل فعلی  
آن مستلزم اصلاحاتی است که باید انجام شود.

ترجمه، مکتوب ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵ از طرف حضرت ولی امرالله  
به یکی از احباء؛ اخبار امری آمریکا، شماره ۲۱۰،  
اوت ۱۹۴۸، ص ۳ / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۹

کاتب حضرت ولی امرالله از طرف هیکل مبارک نوشته است:

در رابطه با فعالیت‌های لجنة ملی امور اقتصادی، حضرت ولیّ امرالله تمایل بعضی از اعضاء لجنة را برای یافتن طرق و وسائل عملی ساختن تعالیم اقتصادی بهائی که در بعضی از آثار و بیانات ضبط شده حضرت بهاءالله و حضرت عبدالهّاء توضیح داده شده، کاملاً درک می‌کنند. اما هیکل مبارک معتقدند که زمان برای این قبیل اقدامات و فعالیت‌ها هنوز مقتضی نیست.

ترجمه، *Directives of the Guardian*، ص ۲۱

#### ۴. اقتصاد الهی

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

آیا نفس این قوای وحدت‌انگیزی که در این عصر به کار افتاده است مستلزم آن نیست که او، که امروز حامل پیام خداوند است، باید هم آن اصول عالیّه اخلاقی را که پیغمبران سابق برای افراد بشر ترویج کرده‌اند تأیید نماید و هم اصولی را در آئین اجتماع و سیاست الهی در اظهار امرش به تمام دول و ملل بگنجاند که جهت اداره عالم امروز لازم است و بتواند بشر را در تأسیس یک حکومت فدرال جهانی که مقدمه تأسیس ملکوت خدا در این دنیا باشد، هدایت نماید؟

نظم جهانی بهائی، ص ۸۱

حضرت عبدالهّاء می‌فرمایند:

همچنین مسأله اقتصاد بهائی نهایت آرزوی عمّال و منتهی مقصد احزاب اقتصاد است.

لوح مبارک خطاب به پروفیسور فورل، مکاتیب عبدالهّاء، ج ۳، ص ۴۹۰

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

مقصود از عبارت "حلّ مسائل اقتصادی ماهیت الهی دارد" این است که فقط دیانت، به عنوان آخرین ملجأ و پناه، قادر است در طبیعت انسان چنان تحوّل اساسی ایجاد کند که او را به اصلاح روابط اقتصادی جامعه قادر سازد. تنها به این طریق است که انسان می تواند قوای اقتصادی را که اساس موجودیت او را تهدید به تخریب می نماید، اصلاح نماید و به این ترتیب سلطه خویش بر قوای طبیعت را ظاهر و مدلل سازد.

ترجمه، مکتوب ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله

به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۱۸۷۱

## ۵. منابع اقتصادی

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

منابع اقتصادی جهان تحت نظم در آید و از موادّ خامش بهره برداری و استفاده شود؛ بازار فروشش توسعه و هماهنگی یابد و محصولاتش به طور عادلانه توزیع شود.

... نیروهای عظیمی که در راه جنگ های اقتصادی و سیاسی به هدر می رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و ازاله امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحید و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد.

در چنان جامعه‌ای یک نظام فدرالی جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام‌های عالیّه شرق و غرب را در برگیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد بر شناسایی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت‌بخش حیات به سویش روان است.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۶

حضرت بهاء الله می‌فرماید:

سبحان الله! امر عجیبی مشاهده گشت. برق یا مثل آن مطیع قائد است و به امر او حرکت می‌نماید. تعالی الْقَادِرُ الَّذِي أَظْهَرَ مَا أَرَادَ بِأَمْرِهِ الْمَحْكَمِ الْمُتَيْنِ. یا اهل بهاء، او امر منزلّه هر یک حصنی است محکم از برای وجود. إِنَّ الْمَظْلُومَ مَا أَرَادَ إِلَّا حَفْظَكُمْ وَ ارْتِقَاءَكُمْ.

کلمات فردوسیّه، مجموعه اشراقات، ص ۱۲۴

حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

عالم انسانی از هر لحاظ در حال تحوّل است. احکام و قوانین دول و مدنیت‌های سالفه در جریان تجدید نظر است؛ نظرات و عقاید علمیه در حال توسعه و ترقی است تا با سلسله وقایع جدیدی مقابل گردد؛ اختراعات و اکتشافات در حال نفوذ و رسوخ در عوالمی هستند که تا به حال مجهول بوده و بدایع جدید و اسرار مکنونه عالم مادی را مکشوف می‌سازد. صنایع از

ابعاد کاملاً عظیمی برخوردار شده و بر تولیدات افزوده است. در جمیع نقاط عالم بشری نظریه‌های فعالیت تکاملی مشهود است که بر منقضی شدن شرایط قدیمه و ظهور عصر جدید اصلاحات دلالت دارد.

ترجمه، خطابه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲/

۴۳۹، *The Promulgation of Universal Peace*، ص

## ۶. تعرفه‌ها و سایر موانع اقتصادی

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

وطن پرستی کوتاه نظرانه و ظالمانه مبتنی بر مطالبه خودمختاری که مولود جنگ جهانی بود و سبب شد که تعرفه‌های گمرکی سنگین وضع گردد و به جریان سالم تجارت بین المللی و دستگاه مالی عالم لطمه‌ای شدید وارد آورد، بر کسی پوشیده نیست و فقط معدودی قلیل ممکن است آن را نپذیرند.

نظم جهانی بهائی، ص ۴۸

و نیز در همان توقیع منیع می‌فرمایند:

در چنین جامعه جهانی جمیع موانع اقتصادی به کلی از میان خواهد رفت. سرمایه و کار عواملی لازم و ملزوم یکدیگر به شمار خواهد آمد.

نظم جهانی بهائی، ص ۵۵

## ۷. اصلاحات اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۷ می ۱۹۱۲ می‌فرمایند:

اصل یا تعلیم چهارم حضرت بهاء‌الله اصلاح و تساوی موازین اقتصادی عالم انسانی است و این به مسألهٔ معیشت بشر مربوط می‌شود. معلوم و واضح است که تحت نظام‌ها و شرایط فعلی فقراء مبتلا به احتیاج و مشقت عظیم هستند در حالی که سایرین از غنای بیشتر برخوردار و در تجمل و فراوانی، که به مراتب مزید بر معیشت ضروری حقیقی آنها است، زندگانی می‌کنند.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۰۷

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مبارک ۱۹ می ۱۹۱۲ می فرمایند:

با عدالت عظیم مظهر ظهور الهی، به فقرای عالم اجر آنها داده خواهد شد و کاملاً مساعدت خواهند گردید و در شرایط اقتصادی نوع بشر اصلاحاتی صورت خواهد گرفت به نحوی که در آتیۀ ایام دیگر نفسی در منتهای غنا و ثروت و نفسی در منتهای فقر و مشقت وجود نخواهد داشت.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۳۲

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ دوم جون ۱۹۱۲ می فرمایند:

اصلاح قوانین اقتصادی برای معیشت بشری باید به نحوی تنفیذ و اجرا گردد که تمام نوع بشر به نسبت مراتب خود در نهایت راحت و آسایش زندگانی کنند.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۷۰

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ ۸ جون ۱۹۱۲ می فرمایند:

امر تعدیل معیشت بسیار مهم است و تا این مسأله تحقق نیابد سعادت برای عالم بشر ممکن نیست.

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۴۸

## ۸. واحد پول جهانی

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع «تولد مدنیت جهانی» می‌فرمایند:

... یک نظام مشترک برای پول و اوزان و مقادیر تعیین شود و روابط و تفاهم بین نژادهای متنوع و ملل جهان را ساده و سهل نماید.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۵

## ۹. مسائل اقتصادی

### الف) ماهیت و علل مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک که در سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا ایراد شده است، می‌فرمایند:

به نظر می‌رسد که جمیع کائنات می‌توانند بنفسهم به تنهایی وجود داشته باشند. فی‌المثل، شجر می‌تواند در وحدت و خلوت در وادی یا مرغزاری یا در دامنه کوهی وجود داشته باشد. حیوانی که در کوه به سر می‌برد یا پرنده‌ای که در هوا پرواز می‌کند، می‌تواند به تنهایی زندگی کنند. آنها به تعاون یا تعاضد احتیاجی ندارند. چنین موجودات حیّ از نهایت راحتی و سعادت در حیات تنهایی خود برخوردارند. بالعکس، انسان نمی‌تواند به تنهایی و در خلوت زندگی کند. او محتاج تعاون مداوم و مساعدت متقابل است. فی‌المثل، انسانی که در بیابان زندگی می‌کند، مآلاً گرسنه خواهد شد. او ابداً نمی‌تواند به تنهایی، بدون مساعدت احدی، تمام احتیاجات خود را فراهم آورد؛ لهذا، به تعاون و تعاضد محتاج است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۳۸



و نیز حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اگرچه هیأت اجتماعی عبارت از عائله واحده است، مع هذا به علت فقدان روابط هم‌آهنگ، بعضی از اعضاء راضی و بعضی دیگر گرسنه هستند؛ بعضی اعضاء ملبّس به البسهٔ ثمینه‌اند و بعضی از اعضاء عائله محتاج به غذا و ملجأ و پناه. علت چیست؟ علت آن است که این عائله فاقد رابطهٔ متقابل لازم و توازن است. این خانواده فاقد نظم و ترتیب لازم است. این عائله تحت قانون کامل زندگی نمی‌کند. کلیه قوانینی که وضع می‌شوند سعادت را تضمین نمی‌کنند. آنها راحت و آسایش را تأمین ننمایند. لهذا، قانونی باید به این عائله داده شود که به وسیلهٔ آن کلیهٔ اعضاء خانواده از آسایش و سعادت برابر برخوردار شوند.

آیا امکان دارد که عضوی از عائله در نهایت درجه مشقت و فقر شدید باشد و بقیه عائله راحت و آسوده باشند؟ این امکان ندارد مگر آن‌که آن اعضاء عائله فاقد احساس، ضعیف، بخیل، و نامهربان باشند. در این صورت خواهند گفت: ”اگرچه اینها اعضاء یک عائله هستند، آنها را به حال خود رها کنید.“

چنین بی‌توجهی در عائلهٔ انسانی منبعت از فقدان تسلط، فقدان قانون کار، فقدان محبت در این محیط است. اگر محبت نسبت به اعضاء عائله ابراز گردد، مطمئناً جمیع اعضاء آن از راحت و آسایش و سعادت بهره‌مند خواهند شد.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۳۸

حضرت عبدالبهاء در مذاکرات می فرمایند:

اما، سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است. زیرا نتیجهٔ این قوانین این‌که نفوسی معدود بیش از لزوم

ثروت بی پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی سرو سامان مانند.

مفروضات عبدالبهاء، ص ۱۹۰

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۱۶ آوریل ۱۹۱۲ می فرمایند:

هیأت عالم بشری مریض است. شفا و علاج آن عبارت از وحدت عالم انسانی است. حیات آن عبارت از صلح اعظم است؛ نورانیت و حیات آن عبارت از محبت است.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۹

حضرت ولی امرالله در توقیع منیع تولد مدنیت جهانی می فرمایند:

نقشه های اقتصادی جهت بازسازی بسیار طرح شده و آنها را با دقت به مرحله اجراء در آورده اند. با وجود تمام این اقدامات، بحرانی از پس بحرانی دیگر، آن هم با چنان سرعتی وقوع یافته که جهان بی ثبات را به همان سرعت به حسیض قهقرا سوق می دهد. گودالی هولناک دهان گشوده تا همه را در یک بلیه عمومی در کام خود فروکشد و همه را در برگیرد؛ چه از ملل مرفه باشند چه غیر مرفه، چه حکومت دموکراسی داشته باشند چه دیکتاتوری یا سرمایه داری و یا رنجبری، چه اروپایی باشند و چه آسیایی، چه مؤمن و چه کافر، چه سیاه و چه سفید...

نظم جهانی بهائی، ص ۱۳۵

## ب) راه حل مسائل اقتصادی

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

ماهیت مبانی و اساس کلیه شرایط اقتصادی الهی و مرتبط با عوالم قلب و روح است. در تعالیم بهائی این موضوع کاملاً

توضیح داده شده، و بدون وقوف بر اصول آن ابداً اصلاح وضعیت اقتصادی قابل حصول نیست.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۳۸

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲ می فرمایند:

امر بهائی کلیه مسائل اقتصادی و اجتماعی را تحت عنوان و اجرای احکامش تحت پوشش دارد. جوهر و ذات روح بهائی این است که برای تأسیس و تثبیت نظم اجتماعی و شرایط اقتصادی بهتر، باید از قوانین و اصول حکومت تبعیت کرد.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۳۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

کلیه مسائل اقتصادی با به کار بردن علم محبت الهی حل می گردد. ولی این قانون طلایی را مردم به قیمت سرب هم قبول ندارند و بلکه آن زرناب را از سرب سیاه هم پست تر می شمردند. زیرا برای سرب مورد استعمالی دارند، ولی این قانون عظیم طلایی را در طاقچه ای می گذارند و حتی گرد و خاکش را هم پاک نمی کنند.

مسائل اقتصادی جهان اگر حل نگردد، نوع انسان را به کلی نابود می سازد و اگر این قانون الهی به کار برده شود، زندگانی خانوادگی سراسر مملو از مسرت می گردد. البته اگر آن را چون موازین علمی در حل روابط بین المللی و ملی استعمال می کردند، در علائق بین سرمایه دار و کارگر و روابط بین غنی و فقیر آرامش کلی حاصل می نمود و پول و تجارت منظم می شد. آیا جای ادنی شکی هست که اگر این اصل به کار رود، سعادت

انسانی محتوم گردد، سعادت‌تی که محال است به واسطهٔ امور  
سیاسیه به دست آید؟

هوارد کلی آیواز، درگاه دوست، ترجمهٔ ابوالقاسم فیضی، ص ۲۱۲

## ۱۰. نقش حکومت در امور اقتصادی

حضرت بهاء‌الله در لوح مبارک دنیا می‌فرمایند:

باید به اطلاع ایشان [حضرت سلطان آیده الله و حضرات علمای  
اعلام و امرای عظام] مقرری معین گردد و حضرات در آن مقرر جمع  
شوند و به حبل مشورت تمسک نمایند و آنچه را سبب و علت  
امنیّت و نعمت و ثروت و اطمینان عباد است معین فرمایند و  
اجرا دارند.

مجموعهٔ الواح، نشر مصر، ص ۲۹۶

جمال قدم در ورق هشتم از کلمات فردوسیّه می‌فرمایند:

آنچه از حدودات در کتاب بر حسب ظاهر نازل نشده، باید  
امنای بیتِ عدل مشورت نمایند، آنچه را پسندیدند مجری دارند.  
مجموعهٔ اشراقات، ص ۱۲۳ / دور بهائی، ص ۸۱

حضرت عبدالبهاء در خطابه‌ای در مونترال کانادا می‌فرمایند:

باید جمیع دول متفق شوند و یک مجلسی قرار دهند که اعضاء  
آن از پارلمان‌های ملل و اعیان منتخب گردد و آنها در نهایت  
عقل و اقتدار قرار بدهند که نه مالیون ضرر زیادی بکنند و نه  
عمله‌ها محتاج باشند. در نهایت اعتدال قانونی بنهند، بعد  
اعلان کنند که عمله‌ها حقوق‌شان در تحت تأمینات محکم است  
و همچنین حقوق مالیون حفظ می‌شود و چون این قرار عمومی به

رضایت هر دو طرف مجری گردد، اگر اعتصابی اتفاق افتد جمیع دول عالم بالتّمام مقاومت کنند و الاّ کار به خرابی های زیاد می کشد.

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۲۵

حضرت عبدالبهّاء در مبحث "اعتصاب" کتاب مفاوضات می فرمایند:

مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است؛ مانند معامله عادی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصی است و دخلی به عموم ندارد و حکومت را حقّ مداخله نیست. زیرا مسأله فبریق و عمله، هر چند مسأله خصوصی به نظر آید، ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرتّ عمومی حاصل گردد. زیرا امور تجارت و صنعت و فلاح، بلکه اشغال عمومی ملت، کلّ مرتبّط به یکدیگر است. اگر در یکی فتوری حاصل شود، مضرتّ به عموم رسد. لهذا مشکلات حاصله بین عمله و صاحبان فبریق سبب مضرتّ عمومی گردد و قضا و حکومت حقّ مداخله دارد.

مفاوضات عبدالبهّاء، ص ۲۲۶

حضرت ولیّ امرالله در توقیع منبع تولّد مدنیّت جهانی می فرمایند:

یک نظام فدرال جهانی برقرار گردد که بر جمیع بلاد حکومت نماید و فرمانروای بلامنازع منابع بسیار عظیمش باشد و مرام های عالیّه شرق و غرب را در برگیرد و طلسم جنگ و بدبختی را بشکند و به استفاده از جمیع منابع موجود در زمین راغب باشد. در چنان نظامی، زور خادم عدل و داد شود و بقایش متکی باشد

بر شناسایی خداوند یگانه و پیروی از یک دین عمومی. این است هدف و مقصدی که نوع انسان ناگزیر بر اثر نیروهای وحدت بخش حیات به سویش روان است.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۶ / ندا به اهل عالم، ص ۷۹

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

این جامعه متحد جهانی تا جایی که می توان تصوّرش را نمود باید دارای یک هیئت مقننه باشد که اعضایش به منزله امنای تمام نوع انسان بالمآل جمیع منابع ملل آن جامعه جهانی را در اختیار خود گیرد و قوانینی را وضع کند که برای تنظیم حیات و رفع حاجات و ترمیم روابط جمیع ملل و اقوام لازم و واجب است. در چنان جامعه ای یک هیأت مجریّه به پشتیبانی یک نیروی پلیس بین المللی مصوّبات هیأت مقننه را اجراء کند، به تنفیذ قوانینش پردازد و وحدت اصلیه تمام جامعه جهانی را حفاظت نماید و نیز یک محکمه جهانی تشکیل شود که تمام دعاوی حاصله بین عناصر مرکبه این نظام جهانی را داوری کند و حکم نهائی و لازم الاجرایش را صادر نماید. یک دستگاه ارتباطات و مخابرات بین المللی به وجود آید که با سرعتی حیرت انگیز و نظم و ترتیبی کامل به کار افتد و جمیع کره زمین را در برگیرد و از جمیع موانع قیود ملی آزاد باشد. یک پایتخت بین المللی به منزله کانون و مرکز اعصاب مدنیّت جهانی تعیین شود که کانونی برای تمرکز و توجّه قوای وحدت بخش حیات باشد و از آن انوار نیروبخش و جان افزایش به جمیع جهات ساطع گردد.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۵ / ندا به اهل عالم، ص ۷۶

## ۱۱. انسان فقط عامل تولید نیست

حضرت بهاء الله در کتاب عهدی می فرمایند:

مقام انسان بزرگ است اگر به حق و راستی تمسک نماید و بر امر ثابت و راسخ باشد. انسان حقیقی بمثابته آسمان لدى الرحمن مشهود. شمس و قمر سمع و بصر و انجم او اخلاق منیره مضمیئه. مقامش اعلى المقام و آثارش مربی امکان.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۴۰۰

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارکه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ می فرمایند:

انسان دارای ادراک و شعور است و طبیعت فاقد آن و این امر نزد فلاسفه مسلم است. انسان از اراده و حافظه برخوردار و طبیعت محروم از آن. انسان کشف اسرار مکنونه طبیعت نماید در حالی که طبیعت غافل از اسرار مودوعه در خود. انسان در ترقی و تقدّم است و طبیعت ساکن و بی تحرک و محروم از قوه اعتلاء و انحطاط. انسان موهوب به فضائل عالیّه مانند تفکر، اراده، و از جمله ایمان و اقرار و اعتراف به ذات الهی است و طبیعت فاقد جمیع اینها. قوای مکنونه عالیّه بشری، از جمله استعداد اکتسابات علمیّه، فوق ادراک طبیعت است. این قوا است که انسان به واسطه آنها از جمیع اشکال سایره حیات متمایز و ممتاز است...

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۵۱

## ۱۲. مساوات

حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه مکنونه می فرمایند:

يا أبناءَ الإنسان، هل عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تَرَابٍ وَاحِدٍ؛ لئلاَّ يفتخِرَ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ وَتَفَكَّرُوا فِي كُلِّ حِينٍ فِي خَلْقِ أَنْفُسِكُمْ إِذَا يَنْبَغِي، كَمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاحِدٍ، أَنْ تَكُونُوا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ بَحِيثٌ تَمْشُونَ عَلَى رِجْلِ وَاحِدَةٍ وَتَأْكُلُونَ مِنْ فَمٍ وَاحِدٍ وَتَسْكُنُونَ فِي أَرْضٍ وَاحِدَةٍ حَتَّى تَظْهَرَ مِنْ كَيْنُونَا تِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَأَفْعَالِكُمْ آيَاتُ التَّوْحِيدِ وَجَوَاهِرُ التَّجْرِيدِ. هَذَا نُصْحِي عَلَيْكُمْ يَا مَلَأَ الْأَنْوَارَ فَانْتَصَحُوا مِنْهُ لِتَجِدُوا ثَمَرَاتِ الْقُدْسِ مِنْ شَجَرِ عَزِّ مَنْبَعٍ.

مجموعه الواح، طبع مصر، ص ۳۱

حضرت عبدالبهاء در لوح لاهه می فرمایند:

و همچنین حزب "مساوات" که طالب اقتصاد است؛ الی الآن جمیع مسائل اقتصادی از هر حزبی که در میان آمده قابل اجرا نه، مگر مسائل اقتصادی که در تعالیم حضرت بهاء الله و قابل اجرا است و از آن اضطرابی در هیات اجتماعی حاصل نگردد.

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۱۱

حضرت عبدالبهاء خطاب به اولی شوارترز به تاریخ فوریه ۱۹۲۰

می فرمایند:

اما در تعالیم الهی مساوات از طریق تسهیم و تشریک به طوع و رغبت حاصل گردد. در ارتباط با ثروت و غنا امر شده است که اغنیاء ناس و اشراف و اعیان باید به اختیار خویش و سعادت خود، به فکر فقرا و مراقبت از آنها باشند. این مساوات نتیجه



صفات عالیّه و سجایای شریفه نوع بشر است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۴

حضرت عبدالبهاء در خطابه ای می فرمایند:

حال باید به دقت علاج [نابرابری ثروت] را مطمح نظر قرار داد. مساوات خیال واهی است و مستحیل و محال. بالمره غیر عملی است. حتی اگر مساوات قابل حصول بود، قابلیت استمرار نداشت - و اگر وجودش میسر می شد، کلّ نظم عالم مختل می گشت. نظم عالم انسانی باید همیشه برقرار باشد. اراده الهی در ایجاد عالم انسان بر آن تعلق گرفته است.

ترجمه، *Paris Talks*، صص ۱۵۱-۱۵۲

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود. ولی مساوات تام نیز ممکن نه؛ چه که مساوات تام در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صنعت سبب اختلال و پریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و به کلی انتظام امور جمهور بر هم خورد. زیرا در مساوات غیر مشروع نیز محذور واقع. پس بهتر آن است که اعتدال به میان آید و اعتدال این است که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد. مثلاً اصحاب فبریک، صاحب کارخانه ها، هر روز کنزی به دست آرند ولی بیچارگان عمله به قدر کفایت معیشت یومیّه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است؛ البته

انسان منصف قبول ننماید.

مفاوضات عبدالبهاء، مبحث اعتصاب، ص ۲۲۷

### ۱۳. مراتب و استعدادهای متفاوت انسان

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابه‌های ایراد شده در سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند:

مع کلّ ذلک، حفظ مراتب خواهد بود. زیرا در عالم بشری وجود مراتب لازم است. هیأت اجتماع را می‌توان به یک اردو تشبیه کرد. در این قشون سردار لازم، صاحب منصب لازم، مارشال لازم، نفر لازم. ولی همه باید در نهایت راحت و آسایش زندگانی نمایند.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۱،

به نقل از *نجم باختر*، سال ۱۳، ص ۲۲۹

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

ترتیب امور ناس باید به نحوی باشد که فقر بالمرّه از میان برود. همه حتّی المقدور طبق رتبه و مقام در رفاه و آسایش به سر ببرند. در میان ما نفوسی هستند که در نهایت غنا هستند، بعضی در نهایت فقر. یکی در قصر بسیار عالی منزل دارد، یکی سوراخی ندارد که سر بر بالین بگذارد. یکی انواع طعام در سفره‌اش حاصل است، یکی نان خالی ندارد، قوت یومی ندارد. بعضی انواع البسه گران قیمت، مخمل، جامه خز و لباس عالی دارند، در حالی سایرین البسه قلیل، فقیرانه و مندرس دارند که آنها را از برودت حفظ نتواند.

ترجمه، *Paris Talks*، ص ۱۵۱

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

بعضی در درجهٔ اول عقلند و بعضی درجهٔ متوسط و بعضی به کلی از عقل محرومند. حال، آیا ممکن است نفسی که در درجهٔ اعلائی عقل است با نفسی که هیچ عقل ندارد مساوی باشد؟ عالم بشرمانند اردوئی است. اردو را سردار لازم و نفر نیز لازم. آیا ممکن است که همه سردار یا صاحب منصب باشند؟ یا همه سرباز باشند؟ البته مراتب لازم است.»

خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۷۱

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ مورخ ۱۹ مه ۱۹۱۲ در کلیسای اخوت نیوجرسی می فرمایند:

حقیقت موضوع این است که عدالت الهی در شرایط و امور بشری ظاهر خواهد شد و جمیع نوع بشر در زندگانی از راحت و آسایش برخوردار خواهند بود. این بدان معنی نیست که مساوات وجود داشته باشد، بلکه عدم تساوی در مرتبه و استعداد از خصوصیات طبیعت است. لہذا نفوس غنی و نفوس محتاج به معیشت ضروری وجود خواهند داشت، اما در زندگی جمعی تساوی و اصلاح مجدد ارزش ها و منافع وجود خواهد داشت.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۳۲

حضرت عبدالبهاء در خطابهٔ اول جولای ۱۹۱۲ می فرمایند:

چه که جامعه به سرمایه‌گذار، زارع، تاجر و عمله احتیاج دارد، همان‌طور که یک اردو باید فرمانده، صاحب منصب و سرباز داشته باشد. نمی‌شود که همه فرمانده باشند و نمی‌شود که همه صاحب منصب یا سرباز باشند. هر یک در مقام خود در ترکیب

اجتماع باید متبخر و لایق باشد؛ هر یک در ایفای وظائف باید با کفایت تام باشد.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۱۶

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می فرمایند:

وقتی شریعتی که حضرتش وضع فرمود تنفیذ و اجرا شود، دیگر نه غنی به افراط در جامعه وجود خواهد داشت و نه فقیر محتاج. این امر با تدوین و تطبیق با مراتب مختلفه استعداد بشری حاصل خواهد شد.

ترجمه، همانجا

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

نابرابری اجتماعی نتیجه قطعی نابرابری طبیعی انسان است. نفوس بشر از لحاظ قوا و استعدادها متفاوتند و لهذا باید از لحاظ موقعیت اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند.

ترجمه، *Directives from the Guardian*، ص ۲۰

## ۱۴. حرف و صنایع

### الف) کار و حرفه

حضرت ولی امرالله در مکتوبی که به تاریخ ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف هیکل اطهر به یکی از احباء نوشته شده می فرمایند:

هر قدر ترقیات فنیّه و وسائل حاصل گردد، انسان همیشه باید جهت تأمین معاش سعی و کوشش نماید. جدّ و جهد جزء لایتجزای حیات انسان است. با تحوّل شرایط عالم ممکن است به اشکال مختلف ظاهر گردد. لکن همیشه به صورت عنصر لازم و ضروری

در وجود ترابی ما موجود خواهد بود. به هر حال، حیات عبارت از تلاش و مجاهده است. ترقی و تقدّم با بذل مساعی حاصل خواهد شد و بدون چنین جدّ و جهدی حیات از معنی و مفهوم محروم شده، معدوم خواهد گردید. ترقیات فنیّه در وسائل تولید منافی ضرورت سعی و تلاش نیست، بلکه شکل و ظاهر جدیدی به آن بخشیده است.

ترجمه، انوار هدایت، شماره ۱۸۷۰

حضرت بهاء الله در لوح بشارات می فرمایند:

قَدْ وَجَبَ عَلَى كُلِّ وَاحِدٍ مِنْكُمْ الْأَشْتَغَالُ بِأَمْرِ مِنَ الْأُمُورِ مِنَ الصَّنَائِعِ وَالْاِقْتِرَافِ وَأَمْثَالِهَا وَجَعَلْنَا اشْتَغَالَكُمْ بِهَا نَفْسَ الْعِبَادَةِ لِلَّهِ الْحَقِّ \* تَفَكَّرُوا يَا قَوْمُ فِي رَحْمَةِ اللَّهِ وَالْطَّافَةِ ثُمَّ اشْكُرُوهُ فِي الْعِشِيِّ وَالْاِشْرَاقِ \* لَا تَضَيِّعُوا أَوْقَاتَكُمْ بِالْبَطَالَةِ وَالْكَسَالَةِ وَاشْتَغِلُوا بِمَا تَنْتَفِعُ بِهِ أَنْفُسُكُمْ وَأَنْفُسُ غَيْرِكُمْ كَذَلِكَ قُضِيَ الْأَمْرُ فِي هَذَا اللَّوْحِ الَّذِي لَاحَتْ مِنْ أَفْهَقِهِ شَمْسُ الْحِكْمَةِ وَالْبَيَانِ \* أَبْغَضُ النَّاسِ عِنْدَ اللَّهِ مَنْ يَقْعُدُ وَيَطْلُبُ \* تَمَسَّكُوا بِحَبْلِ الْأَسْبَابِ مَتَوَكِّلِينَ عَلَى اللَّهِ مَسْبَبِ الْأَسْبَابِ \* هَرِ نَفْسِي بِهِ صِنْعَتِي وَيَا بِهِ كَسِبِي مَشْغُولٌ شُودُ وَعَمَلٌ نَمَائِدُ أَنْ عَمِلَ نَفْسٍ عِبَادَتِ عِنْدَ اللَّهِ مُحْسُوبٌ \* إِنْ هَذَا إِلَّا مِنْ فَضْلِهِ الْعَظِيمِ الْعَمِيمِ .  
مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۱۲۱

حضرت ولی امر الله در توفیق مبارک که در تاریخ ۲۲ مارچ ۱۹۳۷ از طرف حضرتشان خطاب به محفل مقدّس روحانی ملى بهائیان ایالات متّحده و کانادا ترقیم یافته، می فرمایند:

راجع به دستور حضرت بهاء الله در این باره که احبّاء به شغلی از

اشغال مشغول شوند، تعالیم مبارک بسیار مؤکد است، بخصوص بیان مبارک در کتاب مستطاب اقدس در این باره صریحاً می‌رساند که نفوس مهمله که تمایل به کار ندارند در بساط نظم بدیع الهی محبوب و مقبول نیستند. بر اساس این حکم محکم، حضرت بهاءالله می‌فرمایند که تکدی نه تنها مذموم است بلکه باید به کلی از صفحه روزگار محو گردد. کسانی که زمام تشکیلات جامعه را در دست دارند، موظفند وسائلی فراهم کنند تا هر فردی از افراد فرصت یابد و به کسب حرفه و صنعتی نائل شود و همچنین باید تدابیری اتخاذ کنند که این استعداد و کاردانی، هم جهت ترویج نفس حرفه و هم برای امرار معاش آن فرد به کار رود. بر هر فردی ولو هر قدر دچار موانع و محدودیت باشد، واجب است به کار و پیشه‌ای اشتغال ورزد. چون کار علی‌الخصوص وقتی با نیت خدمت همراه باشد به موجب تعالیم حضرت بهاءالله نوعی عبادت است. کار نه تنها متضمن فایده عمومی است، بلکه بنفسه دارای قدر و منزلتی مخصوص است زیرا موجب تقرب ما به درگاه الهی است و سبب می‌گردد که مقصد الهی را برای حیات خود در این عالم بهتر ادراک نماییم. بنا بر این واضح است ثروتی که از راه ارث به دست آید هیچ‌کس را از کار روزانه معاف نمی‌نماید.

مکتوب ۲۲ مارس ۱۹۳۷ از طرف حضرت ولی امرالله

به محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا؛

نقل ترجمه از یادداشت‌ها و توضیحات کتاب اقدس،

نشر مرکز جهانی، ص ۱۴۵؛ یادداشت شماره ۵۶

حضرت بهاءالله در کلمات مکنونه فارسی می‌فرمایند:

ای بندگان من، شما اشجار رضوان منید. باید به اثمار بدیعه  
منیعه ظاهر شوید تا خود و دیگران از شما منتفع شوند. لذا بر کل  
لازم که به صنایع و اکتساب مشغول گردند. این است اسباب غنا  
یا اولی الألباب و إِنَّ الْأُمُورَ مَعْلُوقَةٌ بِأَسْبَابِهَا وَفَضْلُ اللَّهِ يُغْنِيكُمْ بِهَا  
وَأَشْجَارُ بِي ثَمَارٍ لَاتِقٍ نَارٍ بُوْدَةٌ وَخَوَاهِدٌ بُوْدَةٌ.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۳۹۷

و نیز می فرمایند:

ای بنده من، پست ترین ناس نفوسی هستند که بی ثمر در ارض  
ظاهرند و فی الحقیقه از اموات محسوبند بلکه اموات از آن نفوس  
معطله مهمله ارجح عندالله مذکور.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۳۹۸

و نیز می فرمایند:

ای بنده من، بهترین ناس آنانند که به اقرار تحویل کنند و  
صرف خود و ذوی القربی نمایند حُبًّا لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۳۹۸

جمال مبارک در طراز اول از لوح مبارک طرازات می فرمایند:

بعد از تحقق وجود و بلوغ، ثروت لازم و این ثروت اگر از صنعت  
و اقرار حاصل شود، نزد اهل خرد ممدوح و مقبول است.  
مخصوص، عبادی که بر تربیت اهل عالم و تهذیب نفوس امم  
قیام نموده اند.

مجموعه اشرفات، ص ۱۴۹

## ب) فنون، هنرها و صنایع

حضرت بهاء الله در طراز پنجم می فرماید:

اهل بهاء باید اجزای را انکار ننمایند و ارباب هنر را محترم دارند و بمثابه حزب قبل لسان را به بدگویی نیالایند. امروز آفتاب صنعت از افق آسمان غرب نمودار و نهر هنر از بحر آن جهت جاری. باید به انصاف تکلم نمود و قدر نعمت را دانست. *مجموعه اشراقات*، ص ۱۵۳

حضرت بهاء الله در تجلی سوم از لوح مبارک تجلیات می فرماید:

تجلی سوم علوم و فنون و صنایع است. علم به منزله جناح است از برای وجود و مرقات است از برای صعود. تحصیلش بر کل لازم؛ ولیکن علمی که اهل ارض از آن منتفع شوند نه علمی که به حرف ابتدا شود و به حرف منتهی گردد. صاحبان علوم و صنایع را حق عظیم است بر اهل عالم.

*مجموعه اشراقات*، ص ۲۰۳

## ۱۵. زراعت و زارع

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

ما باید از دهقان شروع کنیم و برای آن نظم و نظام اساسی تأسیس کنیم زیرا صنف دهقان و صنف زارع بر سایر اصناف از لحاظ اهمیت خدمات، اضعاف مضاعف است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۳۹

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک ۴ اکتبر ۱۹۱۲ خطاب به امة الله



مسس پارسنزمقیم دُبلین می فرمایند:

این مسأله اقتصادی جز به موجب این تعالیم حلّ تام نیابد. بلکه ممتنع و محال و آن این است که این مسأله اقتصاد را باید از دهقان ابتدا نمود تا منتهی به اصناف دیگر گردد. زیرا عدد دهقان بر جمیع اصناف اضعاف مضاعف است. لهذا سزاوار چنان است که از دهقان ابتدا شود و دهقان اول عامل است در هیأت اجتماعیه. باری، در هر قریه ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد.

مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء،

سه جلد در یک جلد، نشر آلمان، ۱۹۸۴، ص ۷۶۰

حضرت بهاء الله در لوح مبارک دنیا می فرمایند:

توجه کامل است در امر زراعت. این فقره اگرچه در پنجم ذکر شد  
ولکن فی الحقیقه دارای مقام اول است.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۹۲

حضرت ولی امر الله می فرمایند:

... البتّه شرایط در شرق، که ممالک به ندرت صنعتی و اکثراً زراعتی هستند متفاوت است و ما باید قوانینی متفاوت با غرب را به کار ببریم و به این علت است که اصول امر مبارک به ریشه ها می پردازد که در هر دو مشترک است. حضرت عبدالبهاء در خطابات مبارکه، که در مجموعه های مختلف می توانید بیابید، اصولی را بیان فرموده اند که نظام اقتصادی بهائی مبتنی بر آن خواهد بود. نظامی که، علاوه بر سایر امور، از سلطه تدریجی معدودی از افراد بر ثروت و نتیجه آن که فقر و ثروت فاحش

خواهد بود ممانعت خواهد کرد.

ترجمه مکتوب ۲۸ اکتبر ۱۹۲۷ از طرف حضرت ولیّ امرالله  
به یکی از احبّاء؛ منتخباتی از آثار بهائی در زمینهٔ زراعت  
و مواضع مرتبط جمع آوری شده توسط بیت العدل اعظم /  
انوار هدايت، شمارهٔ ۱۸۶۰

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

و اما سؤال چهارم شما؛ حضرت ولیّ امرالله معتقدند مرجّح آن  
است که روش‌هایی که حضرت عبدالبهّاء توضیح فرموده‌اند با  
نظام‌های فعلی مشابه نشود. ممکن است بین آن‌ها وجوه تشابهی  
وجود داشته باشد اما وجوه تفاوت بسیاری نیز وجود دارد.  
مضافاً، این بیانات کلی که در تعالیم مبارکه داریم پیش از آن‌که  
بتوانیم واقعاً پی به اهمّیت آن‌ها ببریم باید توسط بیت العدل  
اعظم تشریح شده معمول گردد.

ترجمه مکتوب ۲۱ اکتبر ۱۹۳۲ از طرف حضرت ولیّ امرالله  
به یکی از احبّاء؛ منتخباتی از آثار بهائی در زمینهٔ زراعت  
و مواضع مرتبط جمع آوری شده توسط بیت العدل اعظم /  
انوار هدايت، شمارهٔ ۱۸۶۱

## ۱۶. سرمایه و سرمایه‌داری

حضرت عبدالبهّاء می فرمایند:

جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت  
فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذارد که از برای کلّ وسعت  
و رفاهیت باشد. نه یکی به فقر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را  
داشته باشد. مثلاً شخصی غنی که منتهی غنا را دارد، شخصی

دیگر منتهی فقر را داشته باشد؛ مراعات او را بکند تا آن هم راحت باشد.

خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۷۳

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن این است که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریق نیز نصیب و بهره یابند.

مفروضات عبدالبهاء، ص ۱۹۲

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

در تعالیم مبارکه مطلبی دالّ بر نفی نوعی نظام سرمایه داری وجود ندارد اما شکل فعلی آن مستلزم اصلاحاتی است که باید انجام شود.

ترجمه، مکتوب ۱۹ نوامبر ۱۹۴۵ از طرف

حضرت ولی امرالله به یکی از احباء؛

اخبار امری آمریکا، شماره ۲۱۰، آگست ۱۹۴۸،

ص ۳ / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۹

## ۱۷. کارگران و صنعت

### کارخانه: رنجبران و کارگران

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می فرمایند:

باید قوانین گذارد. زیرا کارگران ممکن نیست به اوضاع حالیه راضی شوند. هر سال، هر ماه، اعتصاب کنند و آخرالامر ضرر

مالیون است.

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۲۶

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب می فرمایند:

... یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله... و همچنین باید عمله غلو و تمرد نمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب نمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند؛ بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین به قانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود.»

مفاوضات، ص ۲۲۸

## کارخانه: سود و سهام

حضرت عبدالبهاء در مبحث فوق می فرمایند:

... عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریک نیز نصیب و بهره‌ای یابند.

مفاوضات، ص ۲۲۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

همچنین، هر فابریقه که ده هزار سهم دارد از این ده هزار سهم از منافع دو هزار سهم را به اسم کارگران نماید که مال آنها باشد و باقی مال مالیون. بعد، آخر ماه یا سال هر چه منفعت می شود بعد از مصارفات و مزد بر حسب عدد سهام در میان هر دو طرف تقسیم کنند.

پیام ملکوت، ص ۱۵۰

## دستمزدها

حضرت عبدالبهاء در مبحث اعتصاب می فرمایند:

مختصر این است، در حقوق مشترکه مابین صاحبان فبریک و عموم عمله و فعله، باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدت فقر مضمحل نگردند. بلکه اندک حق معیشت از واردات نفس فبریک داشته باشند.

مفاوضات، ص ۲۲۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اگر ممکن باشد صاحبان معادن و فابریقه در منافع با کارگران شریک باشند؛ معتدلانه از حاصلات صدی چند به عملجات بدهند تا عمله غیر از مزد نصیبی از منافع عمومی کارخانه داشته باشد تا به جان در کار بکوشد.

پیام ملکوت، ص ۱۵۰

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

حضرت عبدالبهاء قطعاً بیان فرموده اند که اجرت ها باید نابرابر باشد، صرفاً به این علت که افراد بشر از لحاظ توانائی مساوی نیستند و بدن لحاظ باید اجرتی دریافت کنند که با قابلیت و منابع آنها منطبق باشد.

ترجمه، مکتوب ۲۶ دسامبر ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولی امرالله

به یکی از احبباء / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۷

حضرت ولیّ امرالله در ادامهٔ مطلب فوق می‌فرمایند:

این دیدگاه به نظر می‌رسد با عقیدهٔ بعضی از اقتصاددانان امروز در تضادّ باشد اما یاران باید به بیانات مبارکهٔ حضرت مولی‌الوری اطمینان کامل داشته باشند و باید بیانات آن حضرت را بر اظهارات نفوس به اصطلاح متفکر امروزی ترجیح دهند.  
ترجمه

### نمایندگان طبقات دستمزدبگیر

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

... در عالم صنعت که نمایندگان طبقات مزدبگیر از طریق اعمال خشونت یا تشویق و ترغیب، کرسی‌های قدرت را در اختیار گرفته قوهٔ مجبره را مورد استفاده قرار می‌دهند؛ در میدان دین، که اخیراً شاهد مساعی وسیع و سازمان‌یافته برای توسعه و تسهیل اساس ایمان انسان برای وصول به وحدت در عالم مسیحی و اعادهٔ قدرت حیات‌بخش اسلام بودیم؛ در قلب خود جامعه که علائم شوم افراط و تذبذب دائم‌التزاید صرفاً قوهٔ محرکهٔ جدیدی به قوای انقلاب و عصیان می‌بخشند که یوماً فیوماً به نحوی بارز در حال تزاید هستند؛ در جمیع این وقایع و بسیاری از سایر موارد موجبات احساس خطر را از طرفی و علل امید و حمد و سپاس را از طرف دیگر مشاهده می‌کنیم.

ترجمه، *Baha'i Administration*، ص ۱۴۶

## ۱۸. اتحادیه‌های صنفی

در مکتوب مورخ ۲ فوریه ۱۹۵۱ که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده چنین آمده است:

دربارۀ سؤال شما در خصوص اتحادیه‌های صنفی، نظر حضرت ولی امرالله این است که هر یک از محافل روحانی ملی باید احباء را دربارۀ این موضوع راهنمایی کنند. مادام که اتحادیه‌های صنفی در هیچ حزب سیاسی خاصی عضویت نداشته باشند، هیچ منعی به نظر نمی‌رسد برای وابستگی بهائیان به آنها وجود داشته باشد.

ترجمه، انوار هدایت، شماره ۲۱۲۱

## ۱۹. بازنشستگی

حضرت ولی امرالله در یکی از توقیعات مبارکه که در مورد وجوب اشتغال به کار است می‌فرمایند:

«و اما راجع به حدّ نصاب سنّی که موجب معافیت شخص از کار می‌گردد، این امری است که راجع به آن بیت عدل اعظم باید قانونی وضع نماید. زیرا دستوری در این خصوص در کتاب مستطاب اقدس نازل نگردیده.»

نقل ترجمه از صفحه ۱۳ کتاب نظامات بهائی [بهائی پروسیجر]

در مکتوب ۲۳ آگست ۱۹۵۴ که از طرف حضرت ولی امرالله به یکی از احباء نوشته شده چنین آمده است:

اگرچه شما ۷۹ ساله هستید، به نظر نمی‌رسد در قضیه شما ضعف و اشکالی به حساب آید و در این امر مبارک همانطور که

حضرت ولیّ امرالله فرموده‌اند برای همه در هر سنّی که باشند نوعی کار و فعالیت وجود دارد.

ترجمه، مکتوب ۲۳ اوت ۱۹۵۴ از طرف حضرت ولیّ امرالله  
به یکی از احباء؛ منقول در مکتوب ۱۴ دسامبر ۱۹۷۰ بیت العدل اعظم /  
انوار هدايت، شماره ۲۱۱۵

## ۲۰. مستمری

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع به اقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد گروه عمله با صاحب فبریک به نوع معتدلی مشترک گردند؛ یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله و یا آن‌که عمله به قدر معیشت معتدله اجرت یومیه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند، به قدر کفایت حق استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت به اندازه‌ای باشد که عمله به صرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند.

مفاوضات عبدالبهاء، ص ۲۲۸

## ۲۱. مسأله اعتصاب

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

از مسأله اعتصاب سؤال نمودید. در این مسأله مشکلات عظیمه حاصل شده و می‌شود و مورث این مشکلات دو چیز است: یکی



شدت طمع و حرص اصحاب معامل و کارخانه‌ها و دیگری غلو و طمع و سرکشی عمله و فعله‌ها؛ پس باید چاره هر دو را کرد اما سبب اصلی این مشکلات قوانین طبیعی مدنیت حاضره است زیرا نتیجه این قوانین این که نفوسی معدود بیش از لزوم ثروت بی‌پایان یابند و اکثری برهنه و عریان و بی‌سر و سامان مانند و این مخالف عدالت و مروّت و انصاف و عین اعتساف و مبین رضای حضرت رحمن و این تفاوت مختصّ به نوع بشر است اما در سائر کائنات یعنی جمیع حیوان تقریباً یک نوع عدالت و مساوات موجود؛ مثلاً در بین گله اغنام و دسته آهو در بیابان مساوات است و همچنین در بین مرغان چمن در دشت و کوهسار و بوستان هر نوعی از انواع حیوان تقریباً یک قسم مساواتی حاصل چندان در معیشت تفاوت از یکدیگر ندارند لهذا در نهایت راحتند و به سعادت زندگانی نمایند؛ به خلاف بنی نوع انسان که نهایت اعتساف و عدم انصاف در میان. ملاحظه می‌کنی که فردی از افراد انسان گنجی اندوخته و اقلیمی را مستعمره خویش نموده، ثروت بی‌پایان یافته و منافع و واردات به مثابه سیل روان مهیا ساخته ولی صدهزار نفر از بیچارگان دیگر ضعیف و ناتوان و محتاج یک لقمه نان. مساوات و مواساتی در میان نیست لهذا ملاحظه می‌کنی که آسایش و سعادت عمومی مختل و راحت نوع بشر به قسمی مسلوب که حیات جمّ غفیری بی‌ثمر؛ زیرا ثروت و عزّت و تجارت و صنایع مختصّ به نفوسی معدود و سائرین در زیر بارگران مشقّت و زحمت نامحدود و از فوائد و منافع و راحت و آسایش محروم. پس باید نظام و قانونی ترتیب داد که معدّل ثروت مفرط نفوس معدود گردد و باعث سدّ احتیاج

هزار میلیون از فقراء جمهور شود تا اندکی اعتدال حاصل شود. ولی مساوات تامّ نیز ممکن نه چه که مساوات تامّ در ثروت و عزّت و تجارت و فلاح و صنعت سبب اختلال و پریشانی و اغتشاش معیشت و ناکامی عمومی شود و به کلی انتظام امور جمهور بر هم خورد زیرا در مساوات غیرمشروع نیز محدود واقع. پس بهتر آن است که اعتدال به میان آید و اعتدال این است که قوانین و نظاماتی وضع شود که مانع ثروت مفرط بی لزوم بعضی نفوس شود و دافع احتیاج ضروریّه جمهور گردد؛ مثلاً اصحاب فبریک صاحب کارخانه‌ها هر روز کنزی به دست آرند ولی بیچارگان عمله به قدر کفایت معیشت یومیّه اجرت نگیرند. این نهایت اعتساف است البتّه انسان منصف قبول ننماید. پس یا باید نظامات و قوانینی گذاشت که گروه عمله اجرت یومیّه از صاحب فبریک بگیرند و شرکتی در ربع و یا خمس منافع به اقتضای وسع فبریک داشته باشند و یا در منافع و فوائد گروه عمله با صاحب فبریک به نوع معتدلی مشترک کردند؛ یعنی رأس المال و اداره از صاحب فبریک و شغل و عمل از گروه فعله و یا آنکه عمله به قدر معیشت معتدله اجرت یومیّه گیرند و چون سقط یا عاجز یا ناتوان گردند به قدر کفایت حقّ استفاده از واردات فبریکه داشته باشند و یا اجرت به اندازه‌ای باشد که عمله به صرف مقداری از اجرت قناعت نمایند و اندکی از برای روز عجز و ناتوانی اندوخته کنند.

چون کار بر این منوال باشد نه صاحب فبریک هر روز کنزی اندوخته نماید که به هیچ وجه از برای او مثمر ثمر نیست- زیرا ثروت اگر بی نهایت شود شخص صاحب ثروت در زیر حمل ثقیل

افتد و در غایت زحمت و محنت افتد و اداره دایره ثروت مفرطه بسیار مشکل شود و قوای طبیعی انسان مضمحل گردد- و نه عمله و فعله از نهایت تعب و مشقت از پا افتند و در نهایت عمر به شدت احتیاج مبتلا گردند.

پس معلوم و مسلم گردید که اختصاص ثروت مفرطه به نفوس معدوده با احتیاج جمهور ظلم و اعتساف است و همچنین مساوات تام نیز محل زندگانی و راحت و انتظام و آسایش نوع انسانی. پس در این صورت اعتدال از همه بهتر و آن این است که اهل ثروت باید در اکتساب منافع اعتدال را ملاحظه نمایند و مراعات فقرا و اهل احتیاج را منظور دارند و آن این است که عمله و فعله را اجرتی یومی معلوم و مقرر گردد و از منافع عمومی فبریک نیز نصیب و بهره‌ای یابند.

مختصر این است در حقوق مشترکه ما بین صاحبان فبریک و عموم عمله و فعله باید قانونی گذاشته شود که سبب منافع معتدله صاحب فبریک گردد و اسباب معیشت لازمه فعله و تأمین استقبال ایشان شود که اگر عمله عاجز و سقط و یا خود پیر و ناتوان گردند و یا فوت نمودند و اطفال صغیر گذاشتند از شدت فقر مضمحل نگردند، بلکه اندک حق معیشت از واردات نفس فبریک داشته باشند.

و همچنین باید عمله غلّ و تمرّد ننمایند و بیش از استحقاق نطلبند و اعتصاب ننمایند و اطاعت و انقیاد کنند و اجرت فاحش نخواهند بلکه حقوق معتدله مشترکه طرفین به قانون عدل و حقانیت رسماً محقق و مسلم شود و هر طرف تجاوز نمایند، بعدالمحاكمه محکوم گردند و قوه نافذه جزای قطعی مجری

دارند تا امور انتظام یابد و مشکلات برطرف گردد.

و مداخله قضا و حکومت در مشکلات حاصله بین اصحاب فبریق و عمله مداخله مشروعه است؛ مانند معامله عادی بین عمله و صاحبان کار جزئی نیست که خصوصیت و دخلی به عموم ندارد و حکومت را حق مداخله نیست، زیرا مسأله فبریق و عمله هر چند مسأله خصوصی به نظر آید ولی از مشکلات حاصله در مابین مضرت عمومی حاصل گردد زیرا امور تجارت و صنعت و فلاحت بلکه اشغال عمومی ملت کل مرتبط به یکدیگر است. اگر در یکی فتوری حاصل شود مضرت به عموم رسد. لهذا مشکلات حاصله بین عمله و صاحبان فبریق سبب مضرت عمومی گردد و قضا و حکومت حق مداخله دارد.

و چون اختلاف ما بین دو نفس در حقوق جزئی واقع شود ثالثی باید که دعوا را فصل نماید و آن حکومت است. پس مسئله اعتصاب که سبب اختلال مملکت و گاهی منبعث از شدت اعتساف عمله و یا کثرت طمع صاحبان فبریق است چگونه می شود که مهمل ماند؟

سبحان الله! انسان چون نفوسی را از بنی نوع خویش گرسنه و برهنه و بی سر و سامان بیند چگونه در قصر عالی خود راحت و آسایش کند و کسانی را در نهایت احتیاج بیند با وجود این چگونه از ثروت خود ممنون و خوشنود گردد؟ این است که شرائع الهیه مقنن و مقرر که اهل ثروت محض اعاشه فقرا و دستگیری ضعفا هر سالی مبلغی از مال خویش را باید انفاق نمایند و این از اساس شریعت الهیه است و بر جمیع فرض عین است و چون در این خصوص به حسب ظاهر انسان از طرف حکومت مجبور

نیست و محکوم نه بلکه به صرافت طبع و طیب خاطر در نهایت روح و ریحان انفاق بر فقرا می نماید بسیار محبوب و مرغوب و شیرین است.

و مقصود از اعمال مبروره که در کتب و الواح الهی مذکور اینست والسلام.

مفاوضات، صص ۲۲۹-۲۲۶

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

الیوم نحوه تقاضا عبارت از اعتصاب و توسل به قوه مجبره است که بدیهی است خطا و هادم بنیان بشر است. امتیازات مشروع و تقاضای صحیح باید در قوانین و مقررات تعیین شود.

ترجمه، خطابه ۲۳ جولای ۱۹۱۲،

*Promulgation of Universal Peace*، صص ۲۳۸

## ۲۲. مسأله اشتراکیون

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

این مسأله اشتراکیون بسیار مهم است و به اعتصاب مزدوران حل نخواهد شد.

پیام ملکوت، صص ۱۵۰

## ۲۳. بی کاری

حضرت ولی امرالله در توفیق منیع هدف نظم بدیع جهانی می فرمایند:

بر هیچ ناظر منصفی پوشیده نیست که مقروض بودن کشورها سبب شد که فشاری سخت بر مردم اروپا وارد آید و موازنه

بودجه‌های ملی را بر هم زند و صنایع ملی را فلج سازد و بر عده بی‌کاران بیفزاید.

نظم جهانی بهائی، ص ۴۸

## ۲۴. بردگی صنعتی

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

در خلال سال‌های ۱۸۶۰ تا ۱۸۶۵ شما موفقیت بزرگی کسب کردید و آن آزادی بردگان و الغاء مالکیت آنان بود. ولی امروز باید به امری اعظم مباشرت کنید و آن الغاء استثمار و بردگی صنعتی است.

بهاء‌الله و عصر جدید، نشر برزیل، ص ۱۶۳

## ۲۵. علم و فناوری

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۸ جون ۱۹۱۲ در نیویورک می‌فرمایند:

علم نمی‌تواند موجب اتحاد و اتفاق قلوب انسانی گردد.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۷۱

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۲۳ آوریل ۱۹۱۲ در کلیسای متدیست واشنگتون دی سی می‌فرمایند:

توسعه و پیشرفت یک ملت مطابق با میزان و درجه ترقیات علمیّه آن ملت است. به این واسطه عظمتش مستمراً تزايد یابد و یوماً فیوماً راحت و سعادت امتش تضمین گردد.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۴۹

و نیز در همان خطابه فوق می فرمایند:

انسان عالم و دانشمند، مظهر و مثال واقعی انسانیت است چه که به واسطه جریان تحقیقات و استدلالات استقرایی به جمیع آنچه که به عالم انسانی مربوط می شود، اعم از مقام و موقعیت، شرایط و وقایع، واقف می گردد. او هیأت اجتماع انسانی را مطالعه می کند، مسائل اجتماعی را ادراک می نماید و تار و پود مدنیت را می سازد. فی الحقیقه می توان علم را به مثابه مرآت دانست که اشکال و تصاویر لانهایه از اشیاء موجود در آن متجلی و منعکس می شود. علم نفس پایه و اساس کلیه ترقیات و تحولات فردی و ملی است. بدون این اساس تحقیق، ترقی و تقدّم مستحیل و محال.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۵۰

## ۲۶. استفاده از دانش فنی

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیه (ص ۳۷) می فرمایند:

در بعضی روایات مذکور که برخی اخلاق حسنه و شیم مرضیه را از وحوش اقتباس کنید و عبرت گیرید؛ پس چون تعلم اخلاق حسنه از حیوان صامت جایز، به وجه اولی از ملل اجنبیه، که اقلاً از نوع انسان و به نفس ناطقه و قوه ممیزه ممتاز، اکتساب و اقتباس فنون جسمانیّه جائز و اگر ملاحظه شود که در حیوانات این صفات ممدوحه خلقی است، این اصول و اساس مدنیت و علوم و حکمت طبیعیّه در ممالک سائری به چه برهان می توان گفت که غیر خلقی است.

و نیز در همان اثر ثمین (ص ۳۸) می فرمایند:

پس به این دلایل واضحه و براهین متقنه ظاهر و مبرهن گشت که اکتساب اصول و قوانین مدنیّه و اقتباس معارف و صنایع عمومیّه، مختصراً ما ینتفعُ به العموم از ممالک سائره جائز.

و نیز در همان اثر جلیل (ص ۱۱۹) چنین آمده است:

آیا می توان گفت این امور موافق عدل و انصاف و مطابق احکام شریعت الله است و یا خود تشویق و تحریص بر تعلّم فنون مفیده و اکتساب معارف عمومیّه و اطلاع بر حقائق حکمت طبیعیّه نافع و توسیع دائره صنایع و تزئید مواد تجارت و تکثیر وسائط ثروت ملت، منافی اصول دیانت الهیه است؟ و یا خود آنکه ترتیب نظام مُدُن و تنظیم احوال نواحی و قُرُی و تعمیر طُرُق و سُبُل و تمدید راه کالسکه آتشی و تسهیل وسائط نقلیه و حرکت و ترفیه عموم اهالی، مصادّ عبودیت درگاه حضرت احدیت است؟ و یا خود اشغال معادن متروکه که اعظم وسائط ثروت دولت و ملت است و ایجاد معامل و کارخانه ها که منبع آسایش و راحت و باعث غنا و توانگری عموم ملت است و تحریص و تحریص ایجاد صنایع جدید و تشویق ترقّی امتعه وطنیه مغایر اوامر و نواهی ربّ البریه است؟

و نیز در همین اثر منبع (ص ۱۳۴) چنین مذکور:

همچنین قیاس نماید سائر فنون و معارف و صنایع و قضیّات مثبت الفوائد عالم سیاسی را که در قرون های عدیده مکرراً تجربه شده و به جهت عزّت و عظمت دولت و آسایش و ترقّی ملت منافع و فوائد و محسّنات کلیّه اش ثابت و مبرهن گشته؛ حال آن



را بدون سبب و داعی ترک نموده به نوع دیگر در صدد اصلاحات کوشیده شود تا آن اصلاحات از حیز قوه به وجود آید و فوائد و منافعی ثابت و مبرهن گردد، سالها بگذرد و عمرها به سر آید.

## ۲۷. ائتلاف منابع در جنگ

حضرت عبدالبهاء در رساله مدنیّه (ص ۷۲) می فرماید:

صلح و آشتی (را)... در ظاهر بهانه نموده، لیباً و نهاراً جمیعاً به اعظم جدّ و جهد در تدارکات حربیه می کوشند و اهالی مسکین آنچه به عرق جبین پیدا کرده اکثرش را باید انفاق این راه کنند و چقدر آلف از نفوس که صنایع نافع را ترک نموده، شب و روز به کمال همت در ایجاد آلت مضرّه جدیده که بیشتر از پیش تر سبب سفک دماء ابناء جنس است مشغولند و هر روز آلت حرقه جدیده احداث و ایجاد کنند و دول مجبور بر این گردند که آلات حربیه قدیم را ترک نموده در تدارک آلات جدیده کوشند؛ چه که آلات حربیه قدیم با آلات حربیه جدید مقاومت ننماید.

حضرت بهاء الله می فرماید:

باید وزرای بیت عدل صلح اکبر را اجرا نمایند تا عالم از مصاریف باهظه فارغ و آزاد شود. این فقره لازم و واجب چه که محاربه و مجادله اس زحمت و مشقت است.

لوح دنیا، مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۹۲

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۷ نوامبر ۱۹۱۲ در نیویورک

می فرماید:

پدرها، مادرها و اطفال در حزن و ماتم؛ خشونت‌های جنگ اساس حیات را واژگون، بلاد را خراب و اراضی حاصل‌خیز را بایر و لم‌یزرع نموده. این اوضاع و شرایط نتیجه خصومت و نفرت بین ملل و امم ادیان است که طریق تقلید طیّ کنند و به صورّ ظاهری تمسّک بسته روح و حقیقت تعالیم الهی را نقض نمایند.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، ص ۴۳۹

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۳ مه ۱۹۱۲ می‌فرمایند:

در ادوار ماضیه اگر دو ملت وارد جنگ با یکدیگر می‌شدند، ده یا بیست هزار نفس قربانی می‌شد. لکن در این قرن انعدام صد هزار نفس در یک یوم میسر و ممکن. علم قتال تکامل یافته و وسائط و آلات تکامل پیدا کرده که می‌تواند در مدّتی کوتاه یک ملت را محو و زائل سازد.

ترجمه، *Promulgation of Universal Peace*، صص ۱۲۴-۱۲۳

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

بار سنگین و یأس‌آوری که خیل روزافزون بیکاران بر دوش دول و ملل نهاده‌اند، مسابقه ناهنجار و عنان‌گسیخته تسلیحات که هر روز بیشتر از پیش دارایی ملل فقیر محنت زده را می‌بلعد...

نظم جهانی بهائی، ص ۴۴

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

هیچ‌کس نیست که هر قدر ساده و سطحی باشد اذعان ننماید که حسّ انتقام‌جویی و سوءظنّ و ترس از رقابت ناشی از جنگ که همه را معاهده صلح تثبیت و ترویج کرده سبب شده است که

مسابقه تسلیحاتی ازدیاد یابد، چنان که مبلغی گزاف بیش از یک هزار میلیون لیره در یک سال گذشته [۱۹۳۰] فقط صرف تسلیحات شده که این خود رکود و کساد بازار اقتصاد را به بار آورده است.

نظم جهانی بهائی، ص ۴۸

حضرت ولی امرالله می فرمایند:

نیروهای عظیمی که در راه جنگ های اقتصادی و سیاسی به هدر می رود از آن پس معطوف به اهداف لایقی از قبیل توسعه اختراعات و ترقیات فنی و ازدیاد تولیدات و محصولات بشری و إزالة امراض و توسعه تحقیقات علمی و بالا بردن سطح صحت و تشحید و اعتلاء مغز و فکر بشری و بهره مندی از منابع بکر و ناشناخته کره زمین و درازی عمر انسان گردد و به ترویج هر وسیله ای که حیات فکری و اخلاقی و روحانی نوع انسان را تقویت کند پردازد.

نظم جهانی بهائی، ص ۱۵۶

## ۲۸. مخازن عمومی و مالیات

### مخزن عمومی (قریه)

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

راه حلّ از قریه شروع می شود و وقتی که نظام قریه تجدید شد، بعد بلاد نیز تجدید خواهند شد. و طریق کار این است که در هر قریه یک مخزن عمومی ایجاد گردد. در لسان دیانت به آن "بیت المال" اطلاق می گردد. این یک مخزن عمومی است که

از قریه شروع می‌شود. اداره آن توسط انجمنی از عقلای جامعه صورت می‌گیرد و با تصویب این انجمن جمیع امور هدایت می‌شود.

ترجمه، عالم بهائی، ج ۴، ص ۴۵۰

حضرت عبدالبهاء در لوح مبارک خطاب به مسس پارسنز می‌فرمایند:

باری، در هر قریه‌ای باید که از عقلاء آن قریه انجمنی تشکیل شود که قریه در زیر اداره آن انجمن باشد.

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسونز،  
بدایع الآثار، ج ۱، ص ۱۹۰ / پیام ملکوت، ص ۱۳۵

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

همچنین یک مخزن عمومی تأسیس شود و کاتبی تعیین گردد و در وقت خرمن به معرفت آن انجمن از حاصلات عموم مقادیری معین به جهت آن مخزن گرفته شود.

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسونز،  
بدایع الآثار، ج ۱، ص ۱۹۰ / پیام ملکوت، ص ۱۳۵

و نیز در یکی از الواح مبارک خطاب به یکی از احباء به تاریخ ۲۵ جولای ۱۹۱۹ می‌فرمایند:

انجمن مالیه (مخزن) در هر قریه عایدات مخزن از قبیل عشریه، رسوم حیوانات و غیره را هدایت می‌کند. در هر قریه‌ای مخزنی باید ایجاد شود و مسئولی تعیین گردد و عقلای قریه جمع شوند و انجمنی تشکیل شود و هدایت امور قریه به این انجمن و مسئول مزبور سپرده شود. آنها مسئولیت کلیه مسائل مربوط به قریه و

عایدات مخزون از قبیل عشریه، رسوم حیوانات و سایر واردات آن را به عهده می‌گیرند و صرف مصارف ضروری خواهند نمود.  
ترجمه انگلیسی این بیان مبارک توسط  
معهد اعلیٰ برای مؤلف ارسال شده است.

### مخزن عمومی (مدینه)

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند:

طبیعی است که در بلاد عظیمه، نظامی در مقیاسی وسیع تر وجود خواهد داشت. اگر به تفصیلات آن مشغول شوم بسیار طولانی خواهد شد.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۱

### مخزن عمومی (واردات)

حضرت عبدالبهاء در لوح خطاب به مسس پارسنز می‌فرمایند:

این مخزن هفت واردات دارد: واردات عشریه، رسوم حیوانات، مال بی‌وارث، لقطه یعنی چیزی که یافته شود و صاحب نداشته باشد، دفینه اگر پیدا شود ثلثش راجع به این مخزن است، معادن ثلثش راجع به این مخزن است و تبرّعات.

لوح مبارک حضرت عبدالبهاء خطاب به خانم پارسنز،

بدایع الآثار، ج ۱، ص ۱۹۰ / پیام ملکوت، ص ۱۳۵

و نیز در لوحی خطاب به یکی از احبّاء می‌فرمایند:

و اما واردات مخزن؛ بیت‌العدل باید به هر وسیله ممکن، یعنی

هر وسیله عادلانه، سعی کند وجوه مزبور را ازدیاد بخشد.

ترجمه انگلیسی این بیان مبارک توسط  
معهد اعلیٰ برای مؤلف ارسال شده است.

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لیتمر در کتاب "نور عالم" ثبت  
کرده چنین است:

اول آنچه اعانات لازم است، آنها از بانک به ربح معین اخذ  
کنند. مثلاً با تنزیل سه درصد از بانک اخذ کنند و به چهار  
درصد به عامه بدهند. هر زارعی که به ابزار و وسائل احتیاج  
داشته باشد، آنها جمیع ملزومات را برای او مهیا کنند. وقتی  
محصول برداشت شود این اولین عایدی مخزن است. اما اخذ  
این عایدی توزیع مساوی ندارد. مثلاً، محصول شخصی هزار  
کیلو است و این فقط تکافوی مایحتاج و معاش او کند. از او  
چیزی گرفته نمی‌شود. اگر گرفته شود، او محتاج شود و گرسنه  
ماند اما ممکن است مایحتاجش هزار کیلو باشد و عایدش دو  
هزار کیلو. از او یک عشر گرفته می‌شود. دیگری دو هزار کیلو  
احتیاج دارد، اما عایدش ده هزار کیلو است. از او دو عشر گرفته  
می‌شود. او دو هزار کیلو احتیاج دارد. اگر دو هزار کیلو هم عشریه  
گرفته شود باز هم شش هزار کیلو باقی می‌ماند. دیگری پنجاه  
هزار کیلو دارد؛ از او سه عشر گرفته شود. دیگری ممکن است ده  
هزار کیلو مصارفاتش باشد، اما صد هزار کیلو عایدی داشته باشد؛  
از او پنج عشر گرفته می‌شود. هر چه عایدی بیشتر باشد، نسبت  
[مالیات] ازدیاد یابد.

ثانی رسوم حیوانات است. به تناسب عایدی از حیوانات  
[دامداری - م] اخذ شود. فی المثل، اگر چنانچه کسی که دارای

دوگاو است، دوگاو برای مصارفاتش لازم داشته باشد، چیزی از او گرفته نمی‌شود. هرچه بیشتر داشته باشد، بیشتر از او گرفته می‌شود. این عایدی ثانی است.

ثالث عایدی مخزن از مال بی‌وارث حاصل می‌شود.

عایدی رابع از معادن است. اگر معدنی در اراضی متعلق به شخصی یافت شود، ثلثش راجع به او و بقیه راجع به مخزن است.

عایدی خامس دفینه [گنج پنهان شده - م] است. اگر شخصی دفینه‌ای بیابد نصف آن را بردارد و نصف دیگر به مخزن می‌رسد.

عایدی سادس، اگر مال بی‌صاحب [لقظه - م] در راه یافت شود، نصف آن به این مخزن راجع است.

عایدی سابع عبارت از تبرعات اختیاری است. یعنی آنچه که اشخاص به اختیار خود در منتهای رغبت به مخزن بدهند. اینها واردات هفت‌گانه است.

نقل از صفحات ۳۶-۳۷ ترجمه فارسی کتاب *نورعالم* [منتشر نشده]-

متن انگلیسی در *عالم بهائی*، ج ۴، ص ۴۵۰

## مخزن عمومی (مصارف)

حضرت عبدالبهاء در لوح خطاب به مسس پارسنزمی فرمایند:

خلاصه هفت مصرف دارد: اول مصارف معتدله عمومی مانند مصارف مخزن و اداره صحت عمومی؛ ثانی ادای عشر حکومت؛ ثالث ادای رسوم حیوانات به حکومت؛ رابع اداره ایتم؛ خامس اداره اعاشه عجزه؛ سادس اداره مکتب؛ سابع

## اکمال معیشت ضروریۀ فقرا.

مجموعه خطابات حضرت عبدالبهاء،

۳ جلد در یک جلد، نشر آلمان، ص ۷۶۰

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لتیمر در کتاب "نور عالم" ثبت کرده است:

اینها واردات هفت گانه است، اما هفت مصارف معین هم دارد: اول ادای عشر حکومت به خزانه عمومی برای مصارفات عمومی؛ ثانی اکمال معیشت ضروریۀ فقرا؛ فقرایی که احتیاج دارند، نفوسی که معافند، نه کسانی که عاطل و باطلند. مثلاً اگر محصول نفسی طعمه حریق شود یا در امور تجارت متضرر گردد و به این سبب فقیر شود، باید از این نفوس فقیر و محتاج مراقبت شود؛ ثالث اداره اعاشه عجزه است؛ یعنی نفوسی که میل دارند کار کنند اما ناتوانند. رابع، اداره ایتام است؛ به آنها هم باید مساعدت و اعانت شود. خامس اداره مکتب است؛ مدارس باید جهت تعلیم و تربیت اطفال تأسیس و اداره شود. سادس اداره امور نفوس ناشنوا و نابینا است. سابع اداره صحت عمومی است. هر آنچه که برای صحت عمومی ضرورت داشته باشد، باید مهیا گردد.

نقل ترجمه از متن فارسی کتاب نور عالم، ص ۳۷ /

متن انگلیسی در عالم بهائی، ج ۴، ص ۴۵۰

## صندوق ملی

بیانات حضرت عبدالبهاء که جرج لتیمر ثبت کرده است:

اگر (بعد از این مصارفات) چیزی زیاد بماند، آن را باید نقل به



صندوق بیت‌العدل اعظم کرد. چه که قریه دیگر احتیاج ندارد. نفوس گرسنه نمانند، هیچ‌کس بدون لباس نماند. همه در منتهای راحتی و سرور باشند.

نقل ترجمه از صفحه ۳۸ متن فارسی نورعالم

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند:

از زارعین مراقبت به عمل خواهد آمد. اگر بعد از این مصارفات در مخزن وجوه اضافی باقی بماند باید به صندوق عمومی ملت انتقال یابد.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۰

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

اگر وجهی در مخزن باقی بماند، باید برای مصارفات عمومی ملّی به مخزن عمومی انتقال یابد.

ترجمه، لوح مبارک خطاب به یکی از احباء به تاریخ ۴ اکتبر ۱۹۱۲ که توسط بیت‌العدل اعظم برای مؤلف ارسال شده است.

## انجمن امناء

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می‌فرمایند:

جمعی معین از امناء توسط اهالی قریه انتخاب می‌شوند تا این معاملات را اجرا نمایند.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۰

## ۲۹. احتکار

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

در آینده احتکار باقی نمی ماند. مسأله احتکار به کلی به هم می خورد.

پیام ملکوت، ص ۱۵۰

### ۳۰. مالیات

حضرت بهاء الله می فرمایند:

یا معشر الملوک، إنا نراکم فی کلّ سنةٍ تزادون مصارفکم و تحملوها علی الرّعیة. إن هذا إلا ظلمٌ عظیم. اتّقوا زفرات المظلوم و عبراته و لاتحملوا علی الرّعیة فوق طاقتهم و لاتخربوهم لتعمیر قصورکم. أن اختاروا لهم ما تختارونه لأنفسکم.

الواح نازل خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۱۳۷

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می فرمایند:

فی المثل ملاحظه می کنیم که عایدات سنوی او و نیز مصارف وی چه میزان است. بعد، اگر عایدات او با مصارفش مساوی باشد از چنین زارعی هیچ مالیات گرفته نمی شود یعنی او مشمول هیچ مالیاتی نیست، چه که کلّ عایدی خود را لازم دارد. زارع دیگر ممکن است مصارفش فرضاً به هزار دلار و عایداتش به دو هزار دلار بالغ گردد. از چنین شخصی یک عشر مطالبه می شود، چه که او مازاد دارد. لکن اگر عایدات او ده هزار دلار باشد و مصارفش هزار دلار، یا عایداتش بیست هزار دلار او باید یک ربع مالیات تأدیه کند. اگر عایداتش صد هزار دلار و مصارفش پنچ هزار دلار باشد، باید ثلث بپردازد؛ چه که باز هم مازاد دارد، چه که مصارف پنچ هزار و عایدی اش صد هزار. اگر او

فرضاً سی و پنج هزار دلار علاوه بر مصارف پنج هزار دلاری اش پردازد، باز شصت هزار برای او باقی می ماند. لکن اگر مصارفش ده هزار و عایدی اش دویست هزار باشد، باید حتی نصف ادا کند، زیرا در این حالت تتمه موجودی او نود هزار خواهد بود. با این میزان نسبت مالیات ها تعیین خواهد شد. جمیع عایدات حاصله از این وجوه به مخزن عمومی وارد خواهد شد.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۰

و نیز در خطابه مورخ اول جولای ۱۹۱۲ در نیویورک می فرمایند:

هر نفسی در جامعه که احتیاجات او معادل ظرفیت تولید فردی او باشد از ادای مالیات معاف خواهد بود. لکن اگر عایدی او زیاده از احتیاج او باشد، باید پردازد. ظرفیت تولید و احتیاجات شخص از طریق مالیات، تعدیل خواهد شد. اگر تولید او تجاوز نماید مالیات خواهد پرداخت. اگر احتیاجات ضروریه اش از تولید او متجاوز باشد، مبلغی وصول می کند تا با احتیاجاتش مساوی گردد یا تعدیل شود. لهذا، اخذ مالیات متناسب با ظرفیت و تولید خواهد بود و دیگر فقیر و محتاج در جامعه وجود نخواهد داشت. همچنین، حضرت بهاء الله به اغنیا تکلیف کرده اند که به اختیار خویش به فقرا بذل و بخشش نمایند. نیز، در کتاب اقدس آن حضرت نازل فرموده اند نفوسی که دارای میزان معینی درآمد هستند باید یک پنجم آن را به خداوند، خالق سموات و ارض، ادا نمایند.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۱۷

## ۳۱. نرخ بهره

حضرت بهاء الله در لوح مبارک اشراقات می فرمایند:

... اکثری از ناس محتاج به این فقره مشاهده می شوند. چه اگر ریحی در میان نباشد، امور معطل و معوق خواهد ماند. نفسی که موفق شود با هم جنس خود و یا هم وطن خود و یا برادر خود مدارا نماید و یا مراعات کند، یعنی به دادن قرض الحسن، کمیاب است؛ لذا فضلاً علی العباد ربا را مثل معاملات دیگر که مابین ناس متداول است قرار فرمودیم، یعنی ریح نقود... حلال و طیب و طاهر است... و لکن باید این امر به اعتدال و انصاف واقع شود. قلم اعلیٰ در تحدید آن توقّف نموده حکمه من عنده و وسعة عباده و نوصی اولیاء الله بالعدل و الإنصاف و ما یظهر به رحمة احبائه و شفقتهم بینهم... و لکن اجرای این امور به رجال بیت عدل محوّل شده تا به مقتضیات وقت و حکمت عمل نمایند...

مجموعه اشراقات، ص ۸۵

## ۳۲. ثروت و غنا

حضرت عبدالهّاء در رساله مدنیّه (ص ۳۱) می فرمایند:

غنا منتهای ممدوحیت را داشته اگر به سعی و کوشش نفس خود انسان در تجارت و زراعت و صناعت، به فضل الهی، حاصل گردد و در امور خیریه مصرف شود و علی الخصوص اگر شخصی عاقل و مدبّر تشبث به وسائلی نماید که جمهور اهالی به ثروت و غنای کلی برساند همّتی اعظم از این نه و عندالله اکبر مشوبات بوده و هست. چه که این همّت بلند سبب آسایش و راحت و سدّ

احتیاجات جمع غفیری از عباد حق گردد. ثروت و غنا بسیار ممدوح اگر هیأت جمعیت ملت غنی باشد. ولیکن اگر اشخاص معدوده غنای فاحش داشته و سائرین محتاج و مفتقر و از آن غنا اثر و ثمری حاصل نشود، این غنا از برای آن غنی خسران مبین است. ولی اگر در ترویج معارف و تأسیس مکاتب ابتدائیه و مدارس و صنایع و تربیت ایتام و مساکین، خلاصه در منافع عمومیّه صرف نماید، آن شخص عندالحق و الخلق بزرگوارترین سگان زمین و از اهل اعلیٰ علیین محسوب.

## الف) توزیع ثروت

حضرت ولیّ امرالله در توقیع هدف نظم بدیع جهانی می فرمایند:

هیچ شخص بی طرفی تردید ندارد که تعهدات مالی که در دوره جنگ جهانی به وجود آمد و نیز طوق سنگین غرامت هائی که بر گردن ملل مغلوب افتاد غالباً سبب توزیع نامتناسب طلا و بالتّیجه کمبود آن به عنوان پشتوانه پول شد که این نیز به نوبه خود علت تنزل فاحش قیمت ها گردید و بر سنگینی بار کشورهای فقیر افزود.

نظم جهانی بهائی، ص ۴۷

## ب) تحدید ثروت

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورّخ ۲۳ جولای ۱۹۱۲ می فرمایند:

قلوب باید به یکدیگر متصل گردد. محبت باید آن چنان مستولی گردد که اغنیاء با مُنتهای میل و رغبت به مساعدت فقرا قیام کرده

درجهت تحقّق این تعدیلات دائمی اقتصادی اقدام کنند. اگر این امر به این طریق حاصل شود، بسیار ممدوح و مقبول است. چه که در این صورت لله و در سبیل خدمت الهی خواهد بود.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۳۹

حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات مبارک می فرمایند:

جائز نیست که بعضی در نهایت غنا باشند و بعضی در نهایت فقر. باید اصلاح کرد و چنان قانونی گذارد که از برای کلّ وسعت و رفاهیت باشد نه یکی به فقر مبتلا و نه یکی نهایت غنا را داشته باشد... و همچنین مملکت باید نوعی باشد که به موجب شریعت الله هرگونه آسایش داشته باشد.

خطابات مبارکه، ج ۱، ص ۱۷۲

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورّخ ۷ می ۱۹۱۲ در پنسیلوانیا می فرمایند:

اغنیای نیز باید نسبت به فقرا رحیم و کریم باشند و بدون اجبار و در نهایت اختیار و میل و رغبت در رفع حوائج آنها قدم بردارند.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۰۷

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اعظم وسیله منع آن که قوانین جامعه به نحوی وضع و تدوین شود که ممکن نباشد معدودی به غایت ثروتمند باشند و نفوس کثیری در رنج و محنت بمانند. یکی از تعالیم حضرت بهاء الله تعدیل معیشت در جامعه بشری است. با این تعدیل، دیگر نهایت غنا و فقر و مشقّت در جامعه بشری وجود نخواهد داشت.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۱۶

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

نابرابری اجتماعی نتیجه قهری نابرابری طبیعی ابناء بشر است. افراد بشر از لحاظ توانائی تفاوت دارند و لهذا باید در مقام و موقف اجتماعی و اقتصادی نیز متفاوت باشند اما فقر و ثروت فاحش باید بالمره زائل گردد.

ترجمه، مکتوب ۲۶ ژانویه ۱۹۳۵ از طرف حضرت ولیّ امرالله به یکی از احناء،  
*Directives from the Guardian*، ص ۲۰ / انوار هدایت، شماره ۱۸۶۵

### ۳۳. اعتدال

حضرت بهاءالله در ورق نهم از کلمات فردوسیة می فرمایند:

«... هر امری از امور اعتدالش محبوب؛ چون تجاوز نماید سبب ضرر گردد. در تمدن اهل غرب ملاحظه نمایید که سبب اضطراب و وحشت اهل عالم شده. آلت جهنمیّه به میان آمده و در قتل وجود شقاوتی ظاهر شده که شبه آن را چشم عالم و آذان امم ندیده و نشنیده.»

مجموعه اشراقات، ص ۱۲۳

و نیز می فرمایند:

اتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُسْرِفُوا فِي شَيْءٍ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُسْرِفِينَ.

الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۸

### ۳۴. رفاه و آسایش

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۹۱۲ مونترال کانادا می فرمایند:

و اما تعاون و تعاضد؛ هر عضوی از هیأت اجتماعیه باید در

نهایت راحتی و آسایش باشد، چه که هر فردی از عالم انسانی  
عضوی از هیأت اجتماعی است و اگر عضوی از اعضاء در  
مشقت و مبتلا به امراض باشد، جمیع اعضاء دیگر بالضروره باید  
در رنج و محنت باشند.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۳۸

و نیز می فرمایند:

رضایت الهیه در آسایش جمیع اعضاء عالم انسانی است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۱

مرکز میثاق در خطابه ۹ جون ۱۹۱۲ در معبد باپتیست پنسیلوانیا  
می فرمایند:

حضرت بهاء الله تعالیم و اصول هدایت کننده برای تعدیل  
معیشت را بنیان نهاد. قواعدی توسط ایشان نازل شد که راحت و  
آسایش جامعه متحد را تأمین و تضمین می فرماید.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۱۸۱

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۲۸ ماه می ۱۹۱۲ در معبد متروپولیتن  
نیویورک می فرمایند:

اخوت بشری و وابستگی نوع انسان موجود و برقرار است چه که  
مساعدت و تعاضد متقابل دو اصل ضروری است که مبنای رفاه و  
آسایش انسان است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۱۵۰

### ۳۵. فقرا و محتاجان

حضرت بهاء الله در لوح مبارک دنیا می فرمایند:



باید از شما ظاهر شود آنچه که سبب آسایش و راحت بیچارگان روزگار است.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۸۶

جمال مبارک خطاب به ملوک می فرمایند:

ثُمَّ اعْلَمُوا بِأَنَّ الْفُقَرَاءَ أَمَانَاتُ اللَّهِ بَيْنَكُمْ. أَيَاكُمْ أَنْ لَا تَخُونُوا فِي أَمَانَاتِهِ وَلَا تَظْلِمُوهُمْ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْخَائِنِينَ. سَتُسْأَلُونَ عَنْ أَمَانَتِهِ فِي يَوْمٍ الَّذِي تُنْصَبُ فِيهِ مِيزَانُ الْعَدْلِ وَيُوتَى كُلُّ ذِي حَقٍّ حَقَّهُ وَ يُوزَنُ فِيهِ كُلُّ الْأَعْمَالِ مِنْ كُلِّ غَنِيٍّ وَفَقِيرٍ.

الواح نازله خطاب به ملوک و رؤسای ارض، ص ۹

جمال قدم در کتاب اقدس (بند ۱۴۷) می فرمایند:

قَدْ كُتِبَ عَلَيَّ الْكُلُّ أَنْ يَكْسَبَ وَالَّذِي عَجَزَ فَلِلْوَكَلَاءِ وَالْأَغْنِيَاءِ أَنْ يَعِينُوا لَهُ مَا يَكْفِيهِ.

جمال قدم می فرمایند:

يَا ابْنَ الْبَشَرِ، إِنْ أَصَابَتْكَ نِعْمَةٌ لَا تَفْرَحَ بِهَا وَإِنْ تَمَسَّكَ ذَلَّةٌ لَا تَحْزَنَ مِنْهَا. لِأَنَّ كِلَيْتَهُمَا تَزُولَانِ فِي حِينٍ وَتَبِيدَانِ فِي وَقْتٍ.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۸

و نیز می فرمایند:

يَا ابْنَ الْوَجُودِ، إِنْ يَمَسَّكَ الْفَقْرُ لَا تَحْزَنَ؛ لِأَنَّ سُلْطَانَ الْغِنَى يَنْزِلُ عَلَيْكَ فِي مَدَى الْأَيَّامِ وَ مِنْ الدَّلَّةِ لَا تَخَفَ؛ لِأَنَّ الْعِزَّةَ تُصِيبُكَ فِي مَدَى الزَّمَانِ.

همانجا

و نیز می فرمایند:

يا ابنَ الإنسان، أنفقِ مالى على فقرائى لِيُتَنَفَّقَ فى السَّمَاءِ مِن كَنُوزِ  
عَزِّ لا تُفَنِّى و خَزَائِنِ مَجِدِّ لا تَبْلَى و لَكِن وَعَمْرِى انْفِاقِ الرُّوحِ  
أَجْمَلِ لو تُشَاهِدُ بَعِىنى.

همانجا

و نیز می‌فرمایند:

ای پسران تراب، اغنیا را از ناله سحرگامی فقرا اخبار کنید که  
مبادا از غفلت به هلاکت افتند و از سدره دولت بی نصیب مانند.  
الكَرْمُ وَالْجُودُ مِنَ خِصَالِي؛ فَهَنِيئًا لِمَنْ تَزِينُ بِخِصَالِي.

همانجا، ص ۳۸۷

و نیز می‌فرمایند:

ای پسرکنیز من، در فقر اضطراب نشاید و در غنا اطمینان نباید.  
هر فقری را غنا در پی و هر غنا را فنا از عقب. و لکن فقر از  
مَاسِوَى اللَّهِ نعمتی است بزرگ؛ حقیر شمارید. زیرا که در غایت  
آن غنای بالله رخ بگشاید و در این مقام ”انتم الفقرا“ مستور و  
کلمه مبارکه ”والله هو الغنى“ چون صبح صادق از افق قلب  
عاشق ظاهر و باهر و هویدا و آشکار شود و بر عرش غنا متمکن  
گردد و مقرر یابد.

همانجا، ص ۳۸۸

و نیز می‌فرمایند:

ای اغنیای ارض، فقرا امانت منند در میان شما، پس امانت مرا  
درست حفظ نمایید و به راحت نفس خود تمام نپردازید.

همانجا، ص ۳۸۹

و نیز می‌فرمایند:

يا ملاً الاغنيا، ان رايتم من فقير ذي مرتبه لاتفروا عنه؛ ثم اعدوا معه واستفسروا منه عما رشح عليه من رشحات ابحر القضاء.

آثار قلم اعلى، ج ۴، ص ۱۱۵

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

در این صورت از جمیع ایتم مراقبت و جمیع مصارف و مخارج آنها تأمین خواهد شد. مخارج عجزای قریه تهیه خواهد گردید. مصارف ضروری فقرای قریه تأدیه خواهد شد و سایر اعضاء جامعه، که به دلائل متقنه عاجز و ناتوانند، مانند نابینایان، سالخوردهگان و ناشنویان از راحت و آسایش برخوردار خواهند شد. در قریه احدی باقی نخواهد ماند که محتاج و نیازمند باشد.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۰

و در خطابه ۱۹ می ۱۹۱۲ در نیوجرسی می فرمایند:

ثروتمندان و همچنین فقرا از این شرایط جدید اقتصادی نصیب خواهند برد. زیرا به علت شرایط و محدودیت های معینه، آنها قادر به افراط در جمع آوری ثروت نخواهند بود که از اداره آن عاجز بمانند. در آن حال، فقرا از فشار فقر و مشقت راحت خواهند شد. ثروتمند در کاخ خود مسرور و فقیر نیز در کلبه راحت خویش راضی و شکور.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۸۶

حضرت عبدالبهاء در خطابه اول جولای ۱۹۱۲، در نیویورک،

می فرمایند:

عندالله چه امری احب از آن که انسان به حال فقرا فکر کند؟ چه که فقرا محبوب آب سماوی هستند. زمانی که حضرت مسیح بر

وجه ارض ظاهر شد، کسانی که به او ایمان آوردند و از او تبعیت کردند نفوسی فقیر و ذلیل بودند. آنها ثابت کردند که فقراء مقرب ساحت الهی هستند.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۲۱۶

حضرت بهاء الله می فرماید:

ولکن باید اولوالغنی به فقرا ناظر باشند چه که شأن صابرين از فقرا عندالله عظیم بوده؛ و عمری لایعادلۀ شأن الا ما شاءالله. طوبی لفقیر صبر و ستر و لغنی انفق و اثر. انشاءالله باید فقرا همّت نمایند و به کسب مشغول شوند و این امری است که بر هر نفسی در این ظهور اعظم فرض شده و از اعمال حسنه عندالله محسوب و هر نفسی عامل شود البتۀ اعانت غیبیه شامل او خواهد شد. آنه یغنی من یشاء بفضله آنه علی کل شیءٍ قدیر.

اقتدارات، صص ۲۹۲-۲۹۳

حضرت ولی امرالله می فرماید:

و اما راجع به سؤال شما در خصوص اعانت به فقرا؛ اهل بهاء اگر قادر و مایل به اعانت به محتاجان و مستمندانند نباید تا آنجا پیش بروند که از مساعدت به آنها خودداری نمایند اما در این کار نیز مثل سایر امور باید اعتدال را رعایت نمایند. بزرگترین هدیه ای که ما می توانیم به فقرا، محرومین و ستمدیدگان بدهیم کمک به استقرار مؤسّسات الهی است که حضرت بهاءالله در این یوم مبارک ابداع فرموده اند زیرا این مؤسّسات و این نظم جهانی وقتی که استقرار یابند علل فقر و بی عدالتی را که فقرا را مبتلا ساخته محو و زائل خواهند کرد. لذا، هم باید از صندوق امر

مبارک حمایت کنیم و هم نسبت به محتاجان مهربان و سخاوتمند باشیم.

ترجمه، مکتوب ۱۱ مارس ۱۹۴۲ از طرف حضرت ولیّ امرالله

به یکی از اجبَاء / انوارهدایت، شماره ۴۲۰

### ۳۶. امور خیریه و اوقاف

حضرت ولیّ امرالله می فرمایند:

این تعلیم امر مبارک در مورد همدلی و محبت انسانی دالّ بر آن است ما همواره باید آماده باشیم هر قسم کمک و مساعدتی را که در وُسع و استطاعت ما است به نفوس مبتلا به مضیقه و درد و رنج و محنت عرضه نماییم. احسان و خیرات جوهر تعالیم الهی است و لذا باید در کلیّه جوامع بهائی بسط و توسعه یابد. مؤسّسات خیریه مانند دارالایتام، مدارس و بیمارستانها از اجزاء لایتجزّای مشرقالذکار است. مسئولیت هر یک از جوامع محلیّ بهائی است که به هر وسیله ممکن، از رفاه و آسایش اعضاء فقیر و نیازمند خود اطمینان حاصل نماید.

امّا، البتّه این توسعه دایره مساعدت به فقرا، به هر شکلی که باشد، تحت هیچ شرایطی نباید اجازه داد به طور جدّی با مصالح و منافع کلی و جمعی جامعه بهائی، که با مصالح کاملاً شخصی اعضاء جامعه متفاوت و از آن متمایز است، تداخل نماید. مقتضیات و نیازهای امر مبارک افضل از نیازهای افراد است و لهذا باید مرجّح شمرده شود. امّا این دو وجه حیات اجتماعی بهائی اگر چه حائز اهمیت یکسان نیستند، به هیچ وجه متناقض هم نیستند. هر دو لازمند و باید مورد توجّه قرار گیرند امّا

هر یک منطبق با درجه اهمّیت خود. این مسئولیت به عهده محافل روحانی است که تعیین نمایند چه زمانی منافع فردی باید تحت الشعاع مواردی قرار گیرد که بر رفاه و آسایش جمعی جامعه اثر می‌گذارد اما همان‌طور که قبلاً گفته شد، مصالح فرد نیز همیشه باید در محدوده‌ای معین محافظت شود، مشروط بر آن‌که به طور جدی به رفاه و آسایش کلّ لطمه نزند.

ترجمه، مکتوب ۲۶ ژوئن ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله

به یکی از احبّاء / انوار هدایت، شماره ۴۱۱

حضرت بهاء الله در کلمات مبارکه فردوسیة می‌فرماید:

انفاق عندالله محبوب و مقبول و از سید اعمال مذکور. انظروا ثم اذکروا ما انزلهُ الرَّحْمَنُ فِی الْفَرْقَانِ "وَيُؤْتِرُونَ عَلٰی اَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شَحْنُفْسِهِ فَاُولٰٓئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ" ۱

فی الحقیقه، این کلمه مبارکه در این مقام آفتاب کلمات است. طوبی لِمَنْ اَخْتَارَ اَخَاهُ عَلٰی نَفْسِهِ اِنَّهُ مِنْ اَهْلِ الْبِهَاءِ فِی السَّفِينَةِ الْحَمْرَاءِ مِنْ لَدٰی اللّٰهِ الْعَلِیْمِ الْحَكِیْمِ.

مجموعه اشراقات، ص ۱۲۶

حضرت بهاء الله در بشارت چهاردهم از لوح بشارت می‌فرماید:

شدّ رحال مخصوص زیارت اهل قبول لازم نه. مخارج آن را اگر صاحبان قدرت و وسعت به بیت عدل برسانند عندالله مقبول و محبوب. نعیماً للعاملین.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۱۲۳

---

۱- سورة حشر، آیه ۹. در قرآن به جای "الفائزون" واژه "المفلحون" آمده است.

حضرت بهاء الله در لوح دنیا می فرمایند:

جميع رجال و نساء آنچه را که از اقتراف و زراعت و امور دیگر تحصیل نمایند، جزئی از آن را از برای تربیت و تعلیم اطفال نزد امینی و دیعه گذارند و به اطلاع امنای بیت عدل صرف تربیت ایشان شود.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۲۹۲

حضرت عبدالبهاء درباره نورو می فرمایند:

چون روز مبارکی است نباید آن روز را مهمل گذاشت، بی نتیجه نمود که ثمر آن روز محصور در سرور و شادمانی ماند. در چنین یوم مبارکی باید تأسیس مشروعی گردد که فوائد و منافع آن از برای ملت دائمی ماند تا در السن و تاریخ مشهور و معروف گردد که مشروع خیری در فلان روز عید تأسیس یافت. پس باید دانایان تحقیق و تحرّی نمایند که احتیاج ملت در آن روز به چه اصلاحی است و چه امر خیری لازم و وضع چه اسی از اساس سعادت ملت واجب تا آن اصلاح و آن امر خیر و آن اساس در آن روز تأسیس گردد... ملت اگر احتیاج به انتشار علوم دارد و توسیع دائره معارف لازم در آن روز در این خصوص قراری بدهند یعنی افکار عموم ملت را منعطف به آن امر خیر کنند و اگر چنانچه ملت احتیاج به توسیع دائره تجارت یا صناعت یا زراعت دارد در آن روز مباشرت به وسائلی نمایند که مقصود حاصل گردد یا آن که ملت محتاج به صیانت و سعادت و معیشت ایتم است از برای سعادت ایتم قراری بدهند و قس علی ذلک تأسیساتی که مفید از برای فقرا و ضعفا و درماندگان است تا در آن روز از الفت عموم و اجتماعات عظیمه نتیجه ای

حاصل گردد و میمنت و مبارکی آن روز ظاهر و آشکار شود.

آیام تسعه، ص ۳۵۱

### ۳۷. زکات

حضرت بهاء الله می فرمایند:

و درباره زکات هم امر نمودیم کما نُزِّلَ فِي الْفِرْقَانِ عمل نمایند.

رسالة سؤال و جواب، شماره ۱۰۷

نظر به این که حدّ معافیت و نوع عایدات و موعد اداء زکات و حدّ نصاب در موارد مختلفه هیچ یک در قرآن مجید ذکر نشده است، لهذا اتخاذ تصمیم در این مسائل منوط به قرار بیت العدل اعظم در آینده است و تا آن زمان به فرموده حضرت ولی امر الله باید احباء درخور توانایی و مقدورات خویش مرتباً به صندوق های امری تبرّع نمایند.

یادداشت شماره ۱۶۱ در منضمات کتاب اقدس،

نشر مرکز جهانی، ص ۲۱۴

### ۳۸. مواسات، اعظم از مساوات

حضرت عبدالبهاء در لوحی خطاب به اندروکارنگی می فرمایند:

در تعالیم بهاء الله مواسات است و این اعظم از مساوات است. مساوات امری است مجبوری و لکن مواسات امری است اختیاری. کمال انسان به عمل خیر اختیاری است نه به عمل خیر اجباری و مواسات خیر اختیاری است و آن این است که اغنیا به فقرا مواسات نمایند یعنی انفاق بر فقرا کنند ولی به میل و اختیار



خویش نه این که فقرا اغنیا را اجبار نمایند زیرا از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود؛ ولی مواسات، که آن انفاق اختیاری است سبب راحت عالم انسانی است؛ سبب نوراّیت عالم انسانی است؛ و سبب عزّت عالم انسانی است.

منتخباتی از مکاتیب، ج ۱، ص ۱۱۱

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

و از جمله تعالیم بهاء الله مواسات بین بشر است و این مواسات اعظم از مساوات است و آن این است که انسان خود را بر دیگری ترجیح ندهد بلکه جان و مال فدای دیگران کند اما نه به عُنف و جبر که این قانون گردد و شخصی مجبور بر آن شود بلکه باید به صرافت طبع و طیب خاطر مال و جان فدای دیگران کند و بر فقرا انفاق نماید یعنی به آرزوی خویش چنان که در ایران در میان بهائیان مُجرّی است.

لوح لاهه، مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۷

حضرت عبدالبهاء می فرماید:

در اصول بلشویکی مساوات به جبر و عُنف تنفیذ گردد. عامّه مردمانی که با افراد صاحب مقام و طبقه ثروتمند مخالفند میل دارند در مزایای آنها سهیم شوند. در تعالیم الهی مساوات در اثر تمایل به سهیم کردن دیگران حاصل می شود. در رابطه با ثروت، توصیه بر این است که ثروتمندان و اشراف باید به اختیار خود و جهت حصول سعادت خویش به فکر مراقبت از فقرا باشند. این مساوات نتیجه سنجایای عالیه و صفات شریفه نوع بشر است.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۴

## ۳۹. مدنیت الهیه

حضرت عبدالبهاء در خطابه مورخ ۶ مه ۱۹۱۲ در کیولند اوهایو می‌فرماید:

مدنیت مادیه در نهایت ترقی است و حال احتیاج به مدنیت روحانیه است. مدنیت جسمانی به تنهایی کفایت ننماید و انطباق با شرایط و احتیاجات عصر حاضر نتواند. فواید آن محدود به عالم ماده است. از برای روح انسان محدودیتی وجود ندارد چه که روح بنفسه در ترقی و تکامل است و اگر مدنیت الهیه تأسیس گردد روح ترقی یابد.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۰۱

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه مبارک می‌فرماید:

هر احساسات توسعه یافته بر فواید انسان بیفزاید. امکان اکتشاف حقایق یوماً فیوماً در ازدیاد است و نفوذ هدایت الهیه به نحوی دائم‌التزاید حصول یابد. جمیع آنچه ذکر شد منوط به شکل الهی مدنیت است... استعداد نوع بشر امتحان شود و به مرتبه‌ای واصل گردد که برابری تحقق یابد.

ترجمه، همانجا، صص ۱۰۱-۱۰۲

حضرت عبدالبهاء در خطابه مبارک مورخ ۲ جون ۱۹۱۲ که در کلیسای آسانسیون نیویورک ایراد شده می‌فرماید:

تا به حال مدنیت جسمانی توسعه یافته و حال باید به ترویج مدنیت الهیه پرداخت. مادام که این دو منطبق نباشند، سعادت حقیقی نوع بشر تحقق نیابد. فقط با توسعه قوای تعقل و استدلال، انسان به نهایت درجه کمال واصل نشود یعنی فقط با

تعقل و تفکر به تنهایی به ترقیاتی که دیانت تحقق بخشد، واصل نگردد.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۷۰

حضرت عبدالبهاء در خطابه ۱۶ آپریل ۱۹۱۲، در هتل آنسونیا نیویورک می فرمایند:

حال که نفوس این اقلیم [آمریکا] به مدنیت جسمانیّه عالیّه واصل شده اند، امیدوارم که قوای روحانیّه بتواند این جسم عظیم را حیات بخشد.

ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، صص ۱۹-۲۰

مرکز میثاق در لوح لاهه می فرمایند:

و از جمله تعالیم حضرت بهاء الله این که هر چند مدنیت مادّی از وسائط ترقّی عالم انسانی است ولی تا منضمّ به مدنیت الهیّه نشود نتیجه که سعادت بشریه است حصول نیابد.

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۸

و نیز در همان لوح مبارک نازل:

مدنیت مادّیه مانند زجاج است و مدنیت الهیّه مانند سراج. زجاج بی سراج تاریک است. مدنیت مادّیه مانند جسم است، ولو در نهایت طراوت و لطافت و جمال باشد، مرده است. مدنیت الهیّه مانند روح است. این جسم به این روح زنده است و الا جیفه گردد. پس معلوم شد عالم انسانی محتاج به نفثات روح القدس است.

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۹

## ۴۰. انقطاع

حضرت بهاء الله در کتاب اقدس (بند ۵۴) می فرمایند:

دعوا ما عندکم ثم طيروا بقوادم الإنقطاع فوق الإبداع كذلك  
يأمرکم مالکُ الإختراعِ الَّذی بحركة قَلَمِهِ قَلَبَ العالمین.

جمال قدم می فرمایند:

لا ینفع النَّاسَ ما عندهم مِنَ الأثاثِ و ما ینفعهم غفلوا عنه.

کتاب اقدس، بند ۴۰

جمال مبارک می فرمایند:

ای بنده من از بند مُلک خود را رهایی بخش و از حبس نفس  
خود را آزاد کن. وقت را غنیمت شمر زیرا که این وقت را دیگر  
نبینی و این زمان را هرگز نیابی.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۳۸۵

و نیز می فرمایند:

ای فرزند هوی، از آرایش غنا پاک شو و با کمال آسایش در  
افلاک فقر قدم گذار تا خمر بقا از عین فنا بیاشامی.

همانجا، ص ۳۹۰

حضرت بهاء الله در کتاب عهدی می فرمایند:

کَنج نَکذاشتیم و بر رنج نیفزودیم. ایم الله در ثروت خوف مستور و  
خطر مکنون. اُنظروا ثم اذکروا ما اُنزله الرَّحمن فی الفرقان: ”وَيْلٌ  
لِّکُلِّ هَمَزَةٍ لِمَزَةٍ الَّذی جمع مالاً و عدده“. ثروت عالم را وفایی  
نه. آنچه را فنا اخذ نماید و تغییر پذیرد لایق اعتنا نبوده و نیست  
مگر علی قدر معلوم.

مجموعه الواح، نشر مصر، ص ۳۹۹

## ۴۱. عدالت

حضرت بهاء الله می فرمایند:

يا ابن الرّوح احبّ الأشياء عندى الإنصاف. لا ترعّب عنه إن تكن  
المرّ راغباً ولا تغفل منه لتكون لى أميناً و أنت تُوفّق بذلك أن  
تشاهد الأشياء بعينك لا بعين العباد و تعرفها بمعرفتک لا بمعرفة  
أحد في البلاد. فکّر في ذلك كيف ينبغي أن يكون. ذلك من  
عطيتي عليك و عنايتي لك فاجعله أمام عينيك.

مجموعه الواح، نشر مصر، صص ۱۷-۱۸

در لوح طرازات، از قلم اعلی نازل:

اصحاب انصاف و عدل بر مقام اعلی و رتبه علیا قائمند. انوار پر  
و تقوی از آن نفوس مُشرق و لائح. امید آن که عباد و بلاد از انوار  
این دو نیر محروم نمانند.

مجموعه اشراقات، ص ۱۵۲

در کلمات فردوسیّه از قلم جمال قدم نازل:

سراج عباد داد است. او را به بادهای مخالف ظلم و اعتساف  
خاموش ننمایید و مقصود از آن ظهور اتحاد است بین عباد. در  
این کلمه علیا بحر حکمت الهی موج. دفاتر عالم تفسیر آن را  
کفایت ننماید. اگر عالم به این طراز مزین گردد شمس کلمه "یوم  
یغنی الله کلاً من سعته"<sup>۱</sup> از افق سماء دنیا طالع و مُشرق مشاهده  
شود. مقام این بیان را بشناسید که از علیا ثمره شجره قلم اعلی  
است.

(مجموعه اشراقات، ص ۱۲۲)

---

۱- قرآن کریم، سوره نساء، آیه ۱۲۹.

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

و از جمله تعالیم حضرت بهاء‌الله عدل و حق است. تا این در حیز وجود تحقق نیابد، جمیع امور مختل و معوق.

مکاتیب عبدالبهاء، ج ۳، ص ۱۰۹

و نیز در خطابه سال ۱۹۱۲ در مونترال کانادا می‌فرمایند:

از خداوند مسألت می‌نماییم که به نفوس انسانی عدل و انصاف عنایت فرماید تا منصف باشند و در جهت حصول راحتی برای جمیع جدّ و جهد کنند تا هر یک از اعضاء جامعه بشری در کمال راحت و آسایش زندگانی نمایند. در این صورت این جهان مادی جنت ملکوت گردد، این عالم عنصری صورت آسمانی یابد و کلیه بندگان خدا در کمال روح و ریحان و مسرت و سعادت زندگانی نمایند.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، ص ۴۳

حضرت عبدالبهاء در همان خطابه فوق می‌فرمایند:

فی الحقیقه، عموم ناس به بی‌انصافی و بی‌عدالتی عظیم مبتلا شده‌اند.

ترجمه، *Foundations of World Unity*، صص ۱۴۳-۱۴۴

مرکز میثاق در یکی از خطابه‌ها می‌فرمایند:

دول ممالک باید با قانون شریعت‌الله که عدل مساوی برای جمیع را مقرر می‌دارد، انطباق داشته باشد. تنها بدین طریق است که افراط مطلق در ثروت و محنت و فقر منحنط‌کننده و فاسد‌کننده زائل خواهد شد. تا چنین نگردد شریعت الهیه محلّ تمکین واقع نشود.

ترجمه، *Paris Talks*، ص ۱۵۴

و در خطابه دیگری می‌فرمایند:

و از جمله نتایج ظهور قوای روحانی آن‌که عالم انسانی خود را با شکل جدید اجتماعی منطبق سازد، عدالت الهیه در امور بشری ظاهر شود و برابری نوع انسان در سطح جهان تأسیس گردد... جوهر این کلام آن‌که عدالت الهیه در شرایط و امور بشری ظاهر گردد و جمیع نوع انسان در زندگی خود راحت و آسایش یابند.  
ترجمه، *The Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۳۲

## ۴۲. ارث

در ملحقات کتاب اقدس، طبع مرکز جهانی، صفحه ۸۹ به بعد آمده است:

**الف.** طبقاتی که ارث می‌برند:

اولاد	۱۰۸۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
زوج یا زوجه	۳۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
پدر	۳۳۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
مادر	۲۷۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
برادر	۲۱۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
خواهر	۱۵۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم
معلم	۹۰ سهم از ۲۵۲۰ سهم

**ب.** حضرت بهاءالله سهم اولاد را که حضرت اعلیٰ تعیین فرموده بودند مضاعف و در عوض به طور مساوی از سهام سایر طبقات وراثت کسر فرموده‌اند.

**ج.** سهم اولاد در شرایط خاص

- اگر متوفی ذریه نداشته باشد سهم اولاد به بیت العدل راجع است تا جهت ایتام و ارامل و امور خیریه صرف شود.
- در صورتی که پسر شخص متوفی وفات یافته و از او ذریه‌ای باقی باشد، ذریه مذکور سهم پدرشان را به ارث می‌برند ولی اگر دختر متوفی در گذشته و از او ذریه‌ای باقی مانده باشد، سهم مادرشان باید طبق حکم کتاب اقدس به هفت طبقه مصرح در کتاب تقسیم شود.
- اگر از متوفی ذریه موجود ولی سایر طبقات وراثت کلاً یا بعضاً موجود نباشد، دو ثلث سهم طبقات مفقوده به ذریه و ثلث آن به بیت العدل راجع است.
- اگر از طبقات مصرحه در کتاب کسی باقی نباشد، دو ثلث از ارثیه به اولاد برادر و خواهر متوفی و در صورت فقدان آنها سهم مذکور به عمه و خاله و دایی و عموراجع است و اگر آنها در قید حیات نباشند، به فرزندان آنان می‌رسد و در هر حال ثلث باقی مانده به بیت العدل راجع است.
- اگر هیچ‌یک از وراثت فوق‌الذکر موجود نباشند، تمام ماترک به بیت العدل راجع می‌گردد.
- دار مسکونه و البسه مخصوصه پدر فوت شده به ذریه ذکور راجع می‌شود نه به ذریه اناث. اگر بیوت مسکونه متعدّد باشد، اعلیٰ و اشرف آن به ذریه ذکور تعلق می‌یابد و سایر بیوت و ماترک شخصی متوفی بین وراثت تقسیم می‌شود. اگر ذریه ذکور نداشته باشد، دو ثلث دار مسکونه و البسه مخصوصه اش به ذریه اناث و یک ثلث به بیت العدل راجع می‌گردد. در مورد ماترک مادر، البسه مستعمله باید بالسویه بین دخترانش تقسیم



شود و اگر دختری از وی باقی نمانده باشد البسه غیر مستعمله و جواهرات و املاک مشارالیها باید بین وراث او تقسیم گردد؛ همچنین البسه مستعمله.

• اگر اولاد شخص متوفی صغیر باشد، سهمشان باید برای تجارت و اقتراف به شخص امینی و یا شرکتی سپرده شود تا اولاد مزبور به سن بلوغ برسند. سهمی از منافع حاصله باید به شخص امین یا امناء مذکور تخصیص داده شود.

• ماترک متوفی نباید بین وراث تقسیم شود مگر بعد از اداء حقوق الله و تأدیة دیون متوفی و مصارف تشییع و تدفین میت به عزت و احترام.

• در صورتی که برادر متوفی برادر آبی باشد، سهم کامل مذکور در کتاب به او تعلق می‌گیرد؛ اما اگر از پدر جدا باشد، فقط دو ثلث سهم مذکور به او تعلق می‌گیرد و ثلث بقیه به بیت‌العدل راجع است. این حکم درباره خواهر متوفی نیز جاری است.

• در مواردی که برادران و خواهران آبی و امی حیات داشته باشند، برادران و خواهران امی سهمی از ارثیه نمی‌برند.

• معلم غیر بهائی ارث نمی‌برد و اگر معلم متعدّد باشد، سهم معلم بالسویه میانشان تقسیم می‌شود.

• ورثه غیر بهائی از ارث سهم نمی‌برند.

• هر آنچه زوج به نام زوجه‌اش خریده باشد، باید جزء مایملک زوج محسوب و بین وراث قسمت شود مگر البسه مستعمله و جواهرات و غیر آن که به اثبات معلوم شده باشد که زوج به زوجه بخشیده است.

• هر شخصی مختار است هر نوع می‌خواهد وصیت‌نامه نوشته

مایملک خود را تقسیم کند، مشروط بر آن که قراری برای اداء حقوق الله و پرداخت دیون خود داده باشد.

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

در آیه ایام مالک فبریق مجاز نخواهد بود که جمیع اموال خود را برای عائله خود به جای بگذارد. قانونی وضع خواهد شد شبیه این که او باید فقط یک ربع از اموال خود را به عائله اش واگذار نماید و سه ربع دیگر باید به عمال فبریق، که موجد مکتب و ثروت او بوده اند، ادا گردد.

ترجمه، نجم باختر، سال هشتم، شماره ۱، ص ۱۱

### ۴۳. حقوق الله

توصیه می شود خوانندگان عزیز برای مطالعه تفصیل مطالب مربوط به حقوق الله به مجموعه تهیه شده توسط دارالتحقیق بیت العدل اعظم با همین عنوان مراجعه نمایند.

حضرت بهاء الله می فرمایند:

آنچه در دنیاست قابل ذکر نبوده و نیست، و لکن اگر نفسی فائز شود و در سبیل الهی یک درهم او اقل انفاق نماید عندالله از کنوز اولی و اقدم بوده و هست. این است که حق جل جلاله عاملین و منفقین را در جمیع کتب خود ذکر فرموده. از حق بخواهید که کل را مؤید فرماید بر ادای حقوق. چه که به اسباب امر مرتفع می شود و ظاهر می گردد. اگر عباد مقام اعمال را در این ایام بدانند، کل به آنچه سزاوار است عامل شوند. الامر بیده یحکم کیف یشاء و هو الحاکم البازل العادل المبین الحکیم.

جزوه حقوق الله، شماره ۱

و نیز می فرمایند:

ادای حقوق بر کلّ واجب و نفع آن به انفس عباد راجع؛ و لکن قبول آن معلق است به رُوح و ریحان و رضای نفوس عادلّه عامله. در این صورت اخذ جایز و الا فلا. إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ.

همانجا، شماره ۴

و نیز از قلم اعلیٰ نازل:

فی الحقیقه امر حقوق الهی امر بزرگی است. بر جمیع ادای آن لازم. چه که اوست سبب نعمت و برکت و خیرات و ما یكون مع کلّ نفسٍ فی کلّ عالمٍ من عوالم ربّها الغنیّ الکریم.

گنجینه حدود و احکام، ص ۱۰۳

و نیز از قلم اعلیٰ نازل:

به عزّت امر ناظر باش و بما تنجذب به الأفتدة و العقول تکلم نما. مطالبه حقوق ابداً جایز نبوده و نیست. این حکم در کتاب الهی نازل لأجل بعضی امور لازمه که من لدی الحق به اسباب مقدر شده. اگر نفسی به کمال رضا و خوش وقتی، بلکه به اصرار، بخواهد به این فیض فائز شود قبول نماید. و الا فلا.

گنجینه حدود و احکام، ص ۱۰۵

در رساله سؤال و جواب (شماره ۸۹) چنین مذکور:

سؤال: در الواح الهیه نازل شده هرگاه کسی مالک شود معادل نوزده مثقال ذهب را باید حقّ الله را از آن ادا نماید. بیان شود از نوزده چه قدر داده شود.

جواب: حکم الله در صد نوزده معین شده. از آن قرار حساب

نمایند معلوم شود بر نوزده چه مقدار تعلق می‌گیرد.

ملحقات کتاب اقدس، نشر مرکز جهانی، ص ۶۹

و نیز در لوح سمندر از قلم اعلیٰ نازل:

و اما دربارهٔ حقوق الله؛ نصاب آن عدد واحد است. یعنی هر نفسی اگر دارای نوزده مثقال ذهب شود و یا اشیائی که به این قیمت برسد، بعد از وضع مؤنهٔ سنه [مخارج سالیانه]، حقوق بر آن تعلق می‌گیرد و ادای آن واجب.

گنجینه حدود و احکام، ص ۹۵

و نیز از قلم اعلیٰ نازل:

و از برای حقوق الهی قرار است معین. بعد از تحقّق بیت العدل، علی ما اراده الله حکم آن ظاهر می‌شود.

جزوهٔ حقوق الله، شمارهٔ ۵۹

و نیز جمال مبارک می‌فرماید:

این که ارادهٔ زیارت بیت نمودید نزد مظلوم مقبول و محبوب است، ولیکن اگر به روح و ریحان واقع شود و مغایر حکمت نباشد. بگو یا قوم، اول امر عرفان حق جلّ جلاله و آخر آن استقامت و بعد تطهیر مال و ما عند القوم بما امر به الله بوده. لذا باید اول حقوق الهی ادا شود و بعد توجه به بیت. محض فضل این کلمه ذکر شد.

امر و خلاق، ج ۴، ص ۱۳۵

و از قلم اعلیٰ نازل:

حقوق الله را به هر نفسی نمی‌توان داد. این کلمه حق بوده. باید حقوق الله نزد نفوس امینه جمع شود و بعد به ید امنای الهی به

ساحت اقدس ارسال گردد.

جزوه حقوق الله، شماره ۵۸

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

در خصوص حقوق سؤال نموده بودید. انسان در ظرف یک سال آنچه منفعت کند، باید مصارف سالیانه خود را منها کند. پس، از آنچه که زیادی مانده درصد نوزده حقوق بدهد. یعنی شخصی در ظرف یک سال از تجارتش هزار لیره منفعت برده؛ مصارف سالیانه خویش را که ششصد لیره باشد، منها می کند. چهارصد لیره زیادی دارد. حقوق بر این چهارصد لیره تقرّر حاصل می شود. یعنی باید از چهارصد لیره از هر صدی نوزده لیره، که جمعش هفتاد و شش لیره می شود به جهت مصارف خیریه حقوق بدهد. بر جمیع اموال هر سال حقوق تعلق نیابد. شخصی شاید صد هزار لیره اموال دارد. نمی شود هر سال از این صد هزار لیره حقوق بدهد. شما مثلاً باید آنچه در سال منفعت می نمائید خرج سالیانه خویش را منها کنید. آنچه فضله می ماند حقوق بر آن تعلق می گیرد. اما مالی که سال گذشته حقوقش داده شده است امسال دیگر حقوق بر آن تعلق نیابد.

جزوه حقوق الله، بخش ب، شماره ۵

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

حقوق بر جمیع مایملک تعلق می گیرد، و لکن اگر شخصی حقوق بر ملک را ایفا نموده و واردات آن ملک به قدر احتیاج او است دیگر بر آن شخص حقوق ترتیب نیابد. بر آفات و ادوات

زراعت، حتّی حیوانات حَرْت،<sup>۱</sup> به اندازه‌ای که لزوم است، حقوق ترتیب نگردد.

گنجینه حدود و احکام، ص ۹۸ / جزوه حقوق الله، بخش ب، شماره ۸

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

اما در خصوص حقوق الله... تعلق آن به مال التجاره و ملک و عایدات است که بعد از مخارج لازمه، آنچه فایده حاصل شود و بر مایه افزوده گردد، باید حقوق آن داده شود و چون یک مرتبه حقوق ادا شد دیگر بر آن تعلق نمی‌گیرد مگر آن که آن مال از شخصی به شخص دیگر رسد و اما بیت و اسباب بیت حقوق تعلق نمی‌گیرد... اما در خصوص حقوق الله، حقوق الهی راجع به مرکز امر است.

جزوه حقوق الله، بخش ج، شماره ۱

#### ۴۴. بحران عظیم اقتصادی

حضرت ولیّ امرالله می‌فرمایند:

بحران عظیم اقتصادی، عواقب بزرگ‌ترین بلایی که تا به حال بشر تجربه کرده است و اضمحلال نظامی که معاهده ورسای به وجود آورده بود، احیاء میلیتاریسم به بدترین وضع ممکن، عدم موفقیت تجارب مفصل، شکست مؤسّسات نوزادی که برای حفظ صلح و آسایش مردمان و طبقات و ملل به کار گرفته شده بود، همه سبب یأس و حرمان و تضعیف روحیه اهل عالم گردید

---

۱- حیوانات حَرْت: گاو و خرو یا بوی که برای شخم زدن یا خرمن‌کوبی به کار گرفته می‌شوند.

و امید و نشاط جهانیان را نابود ساخت و زندگیشان را مشوّش و اتحاد بین‌المللی را زائل ساخت.

نظم جهانی بهائی، ترجمه هوشمند فتح اعظم، ص ۱۴۰

## ۴۵. رقابت

حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

در عالم طبیعت موجودات زنده را در تنازع بلاوقفه برای بقا مشاهده می‌کنیم. همه‌جا با شواهدی از بقای آنسب عنصری مواجه می‌شویم. این همان منشأ خطا و سوء ادراک در عقاید و نظریه‌های نفوسی انسانی است که متوجّه نیستند عالم طبیعت ذاتاً از لحاظ علّت و معلول ناقص است و نقائص آن باید با تربیت رفع شود.

ترجمه، خطابه ۷ نوامبر ۱۹۱۲ مندرج در

*The Promulgation of Universal Peace*، ص ۴۰۰

و نیز می‌فرمایند:

در طبیعت نزاع بقا است. اگر انسان تربیت نشود، از مقتضیات طبیعت نزاع و جدال است. جمیع این مکاتب، این همه مدارس، به چه جهت تأسیس می‌شود؟ به جهت این‌که انسان از مقتضای طبیعت نجات یابد، از نقائص طبیعت خلاص شود؛ کمالات معنویّه پیدا کند.

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۲۷۴

و نیز می‌فرمایند:

آیا جائز است خود را اسیر طبیعت نماییم؟ به موجب انبعاثات طبیعی که نزاع بقا است، مانند حیوانات درنده همدیگر را

بدریم؟ نوعی زندگانی کنیم که فرقی مابین انسان و حیوان  
نماند؟

خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۲۷۵

## ۴۶. نظم و تعادل عالم

حضرت بهاء الله می فرمایند:

قد اضطرب النَّظْمُ مِنْ هَذَا النَّظْمِ الْأَعْظَمِ وَ اخْتَلَفَ التَّرْتِيبُ بِهَذَا  
الْبَدِيعِ الَّذِي مَا شَهِدَتْ عَيْنُ الْإِبْدَاعِ شَبْهَهُ.

کتاب اقدس، بند ۱۸۱

و نیز می فرمایند:

قُلْ هَذَا لَقَسْطَاسُ الْهُدَى لِمَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ الْبَرَّهَانِ  
الْأَعْظَمِ لَوْ أَنْتُمْ تَعْرِفُونَ.

کتاب اقدس، بند ۱۸۳

حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

اقتصاد اساس کامرانی و رفاه بشری است. آدم و لخرج همیشه در  
زحمت است. اسراف و تبذیر، از طرف هرکس، گناه نابخشودنی  
است. ما هرگز نباید مانند گیاهان طفیلی زندگی کنیم. هرکس  
باید شغلی، چه فکری و چه یدی، داشته باشد و به پاکی و  
آزادگی، محترم و شرافتمندانه زندگی کند به طوری که سرمشق  
دیگران گردد. هرگاه شخصی با یک گرده نانی خشک قناعت  
کند و راضی باشد به درجات بهتر از آن است که غذایی شاهانه و  
مفصل داشته ولی پول آن از جیب دیگران آمده باشد زیرا فکر و  
روح شخص قانع همیشه آرام و قلبش مستریح است.

نقل ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء از:

بهاء الله و عصر جدید، نشر برزیل، ص ۱۱۸



\*\*\*\*\*

اگرچه بعضی اصول هدایت‌کننده در آثار مبارکهٔ بهائی در خصوص اقتصاد وجود دارد، اما این اصول به هیچ‌وجه کلّ رشتهٔ اقتصاد نظری و عملی را تحت پوشش قرار نمی‌دهد و عمدتاً مقصود از آن‌ها هدایت بیشتر برای متخصصان و نویسندگان اقتصادی بهائی است تا نظامی اقتصادی را ابداع نمایند که در انطباق تامّ با روح و مفاد آثار مبارکهٔ امرالله در این زمینه و مواضع مشابه عمل نماید. بیت العدل عمومی با مشورت متخصصین اقتصادی، در آتیه ایام به تدوین و ابداع نظام اقتصادی آیندهٔ بهائی مساعدت خواهد کرد.

ترجمه، مکتوب ۱۰ ژوئن ۱۹۳۰ از طرف حضرت ولیّ امرالله

به یکی از احباء، انوار هدایت، شمارهٔ ۱۸۶۲



A Bahá'í Perspective on  
*Economic on the Future*

Badi Shams